



بانک د افغانستان

د افغانستان بانک خپرونه، څلورم کال، درې څلویښتمه گڼه د ۱۳۸۹ کال د مرغومی میاشت

نمونه از تحایف جلالتماب رئیس جمهوری اسلامی افغانستان



جدي ۱۳۸۹

د افغانستان بانک له بنسټيزو اهدافو
څخه يو هم د يو فعال او خوځنده نظام
د ټيكاو خونديتوب او د هېواد د
اقتصادي ودې او غوړيدو لپاره د هغې
کارول شمېرل کېږي



د دې ګڼې مطالب

د افغانستان بانک به زودی با بانک تجارت و توسعه ...

نگاهی بر یازدهمین نشست سران سازمان ایکو

جلالت‌ماب محترم رئیس جمهوری اسلامی افغانستان ...

نماینده‌گیهای د افغانستان بانک با شبکه فایر ...

د افغانستان بانک قانون

د افغانستان طبیعی زیرمې

فقر چیست؟

سوداګري او ترانزیت د یو هیواد اقتصاد ...

ویژګی های اقتصاد جدید

د مضاربت پیژندنه

فرق بین اقتصاد مالی دولت و اقتصاد مالی خصوصی

د افغانستان اقتصادي ستونزې

BANK بانک

صاحب امتیاز: د افغانستان بانک

تحت نظر هیئت تحریر: عتیق الله نوشیر - محمد قسیم رحیمی - محمد اسحق علوی - رایت علمیار

مدیر مسوول: محمد کبیر کاووسی

گزارشگران: عبداللطیف بایانی و عبدالحفیظ شاهین

دیزاین: عبدالقیوم رووف ارغند

فوتو راپورتر: زیرک ملیا

همکار تخنیکي: یما عقیف

ترجمه: شفیق الله بارز و عین الله عیان

آدرس د افغانستان بانک

آمریت عمومی اسناد و ارتباط

تلیفون: ۰۰۹۳۲۰۲۱۰۳۸۱۵ / ۲۱۰۴۷۶۱

فکس: ۰۰۹۳۲۰۲۱۰۳۰۵

پست الکترونیکی: magazine@centralbank.gov.af

صفحه الکترونیکی: www.centralbank.gov.af

تدابیر و میکانیزم های مقتضی

جهت ثبات نرخ تورم

یکی از وظایف اساسی د افغانستان بانک پایین نگهداشتن نرخ تورم میباشد. تورم چالشی است که در گذشته اکثراً در کشور ما در سطح بالا قرار داشته اما در این دو سه سال اخیر بانک مرکزی تورم را کاملاً تحت تسلط قرار داده و برای نخستین بار در جریان سی - چهل سال گذشته آنرا در پایین ترین نرخ قرار داده است.

اما درین چند روز اخیر سطح تورم در کشور از مرز ۱۲ در صد گذشته است که علل آن را افزایش در قیمت مواد سوخت، سرا زیر شدن سیلابها، بلند رفتن سطح تورم در کشور های همسایه، توقف تانکر های مواد نفتی در مرز های کشور ایران و افزایش واردات تشکیل میدهد.

چون در افغانستان تولیدات کافی وجود ندارد، ازینرو د افغانستان بانک برای ثابت نگهداشتن ارزش افغانی به لیلان ارز های خارجی مبادرت می ورزد. بر اساس استراتیژی دراز مدت برای بانک مرکزی به نظر د افغانستان بانک موجودیت پنج تا شش فیصد تورم چندان مشکل زا نیست چون سازگار با وضعیت اقتصادی کشور میباشد.

از سوی دیگر اقتصاد افغانستان چون هنوز هم متکی بر واردات است، تورم وارداتی وارد کشور ما میگردد، یکی از ابزار و وسایل دستداشته درین رابطه کنترل پول در جریان است که د افغانستان بانک تلاش دارد تا با استفاده ازین ابزار تا اندازه یی بتواند جلو تورم وارداتی را بگیرد.

در سال گذشته تورم بخصوص تورم مواد منفی بود که تا مرز ۱۵ در صد میرسید.

د افغانستان بانک سعی میورزد تا با لیلان ارز ها و اوراق بهادار جلو افزایش تورم پولی را که در حال حاضر به بیش از دوازده در صد رسیده است، بگیرد.

بنابر دلایلی که از آن ذکر بعمل آمد و با درنظر داشت عوامل دیگر در کشور بروز تورم تا زمانیکه مشکلات فوق باقی بماند، معضله تورم در کوتاه مدت حل نخواهد شد

د افغانستان بانک بحیث یگانه مسوول سیاست پولی در کشور میتواند از طریق یک سلسله تدابیر و میکانیزم های مقتضی جهت توازن و تعادل مقدار عرضه پول و تقاضا برای پول و ازین رهگذر ثبات سطح قیمت ها و کنترل نقدینگی (سیالیت) متناسب با رشد اقتصادی کشور را در دراز مدت بمیان آورد. ●

د افغانستان بانک به زودی با بانک تجارت و توسعه سازمان همکاری های اقتصادی (ECO) می پیوندد

بندهای سوم و چهارم ماده چهارم قانون د افغانستان بانک مبنی بر اینکه د افغانستان بانک می تواند از طریق همکاری های بین المللی پولی، عضویت در سازمانهای بین المللی را که هدف آن ثبات پولی و اقتصادی می باشد، بدست آرد. و منحیت نماینده در رابطه به شرکت افغانستان در سازمان های بین المللی مسوولیتهایی را بهعهده گرفته و داد و ستدهائی را انجام دهد. با تصویب ۱۵ میلیون SDR (معادل ۲۳ میلیون دالر امریکایی) در پنج سال آینده با اقساط مساوی، عضویت د افغانستان بانک را به حیث نماینده دولت در بانک تجارت و توسعه ایکو منظور نموده است. قابل ذکر است که این بانک در سوم اگست ۲۰۰۵ تاسیس گردیده است و در حال حاضر، ترکیه، پاکستان و ایران با سهم ۳۰۰ میلیون SDR عضویت این بانک را دارند و کشورهای آذربایجان و قزاقستان نیز آمادگی شان را برای پیوستن به این بانک، ابراز داشته اند. ●

در عرصه های تولید و صنعت و سرمایه گذاری به همراه خواهد داشت. این بانک با فراهم نمودن خدمات کم هزینه مالی و اعتباری ارزان و آسان در بخش های مختلف، برنامه ها و پلان های اقتصادی کشور ما را کمک خواهد کرد. با دسترسی افغانستان به خدمات مالی ارزان تر این بانک، بخشی از نیازمندی های کوتاه مدت و دراز مدت افغانستان در عرصه تمویل پروژه های انکشافی و زیر ساخت ها و در نتیجه زمینه پیشرفت و توسعه پایدار و رشد اقتصادی کشور فراهم خواهد شد. به صورت مشخص تر، افغانستان، پس از کسب عضویت در این بانک می تواند از تسهیلات اعتباری و مالی این بانک در حوزه هایی مانند: رشد و توسعه تجارت، سرمایه گذاری، ترانسپورت، مخابرات، انرژی، معادن، زراعت، صنعت، ساختمان، توریسم، منابع بشری، پژوهش های اقتصادی و احصائیه ای به صورت موثر استفاده کند. شورای عالی د افغانستان بانک با درنظرداشت منافع چشمگیر عضویت افغانستان در این بانک و بر بنیاد

با اعلام رسمی جلالت ماب رئیس جمهور کشور پروسه عضویت رسمی د افغانستان بانک، به عنوان نماینده افغانستان، در بانک تجارت و توسعه سازمان همکاری های اقتصادی (ECO) آغاز گردید.

جلالتماب رئیس جمهور کشور، در نطق رسمی خود در یازدهمین اجلاس سران کشورهای عضو ایکو و با حضورداشت محترم عبدالقدیر فطرت رئیس کل دافغانستان بانک آمادگی افغانستان برای عضویت در بانک توسعه و تجارت ایکو را اعلام کرد. این اجلاس در روزهای دوم و سوم جدی سالروان در شهر استانبول ترکیه برگزار شده بود. با این اعلام، دافغانستان بانک به عنوان نماینده جمهوری اسلامی افغانستان مراحل کسب عضویت رسمی بانک تجارت و توسعه ایکو را آغاز کرده است.

بانک توسعه و تجارت ایکو به عنوان رکن ومحور مالی همکاری های اقتصادی کشورهای عضو ایکو پنداشته می شود. عضویت د افغانستان بانک در این بانک رهآوردهای چشمگیری برای افغانستان



نگاهی بر یازدهمین نشست سران سازمان ایکو



محترم خانجان الکوزی معاون هیئت عامل اتاق تجارت و صنایع درین رابطه چنین گفت:

در این نشست بین سران کشور های عضو در رابطه به سهم مشترک شان در بخش های تجارت، سرمایه گذاری، از بین بردن موانع گمرکی و سهولت در جهت رشد و توسعه سکتور خصوصی در جهات مختلف صحبت صورت گرفت، محترم رئیس جمهور افغانستان از کشور های اعضا ایکو خواست تا در کشور ما که شرایط برای سرمایه گذاری مساعد است سهم فعال بگیرند و میتوانند با خاطر آسوده سرمایه گذاری نمایند. همچنان در زمینه رفع پرابلم های گمرکی بویژه بین اعضای سازمان ایکو صحبت صورت گرفت. ما خوشبین هستیم در قدم اول مشکلات تجارتی که در بندر تجارتی کراچی و بنادر کشور ایران ایجاد شده بر اساس فیصله های یازدهمین نشست سازمان ایکو مرفوع گردد. کالا های تجارتی که در بنادر فوق از مدتی متوقف است رها گردد. که خبر خوشی میتواند باشد. سران کشور های ایکو روی توسعه و تحکیم سکتور خصوصی صحبت همه جانبه



افغانستان است که متناسب به آن واردات کشور حجم بزرگی را در برمیگیرد نکته دیگری که درین مورد حایز اهمیت است اینک: در حال حاضر بر اساس قانون اساسی افغانستان، اقتصاد کشور بر اساس اقتصاد بازار فعالیت میکند که نقش سکتور خصوصی در آن باید خیلی اثرگذار و بر جسته باشد از سوی دیگر ما با کشور های همسایه مشکلات حاد ترانزیتی داریم. در کشور پاکستان و سا یل ترانسپورتی حامل کالاهای تجارتی بصورت مداوم با مشکل و موانع روبرو هستند. این محموله ها ماه ها در بندر تجارتی کراچی معطل می شوند که از یکسو معطل شدن و تأدیه خاکپولی بالای نرخ اجناس تأثیر سوء گذاشته و از سوی دیگر بعضاً باعث فاسد شدن کالا های تجارتی میگردد.

در کشور ایران نیز وضع بر همین منوال است که معطل شدن و اجازه حرکت نیافتن تانکر های حامل مواد سوخت نیز عین حالت را می رساند که رفع شدن مشکلات و موانع ترانزیتی نیز در نشست ایکو مورد بحث قرار گرفت امید که ثمر بخش باشد.

یازدهمین دور نشست سران سازمان ایکو. بروز دوم و سوم جدی سال ۱۳۸۹ با اشتراک حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در شهر استانبول ترکیه تدویر یافت. موضوعاتی که درین نشست روی آن گفتگو گردید، موارد بسیار سودمند برای تمام کشور های عضو خصوصاً افغانستان می باشد زیرا افغانستان در حال حاضر به انکشاف تجارت میان کشورهای عضو ایکو و رفتن به سوی منطقه تجارت آزاد، ضرورت مبرم دارد که این موضوع میتواند در توسعه تجارت افغانستان موثر واقع گردیده و در نهایت به رشد اقتصادی کشور کمک نماید. حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان درین نشست بحیث اولین سخنران به نکات مهم و ارزشمندی اشاره کرد. از جمله مواردیکه در سخنان رئیس جمهورحایز اهمیت فراوان برای افغانستان است شامل تجارت و ترانزیت، منطقه تجارت آزاد، توسعه سکتور خصوصی، قوانین تجارتی و سرمایه گذاری و بانک تجارت و توسعه ایکو میگردد. یکی از مشکلاتیکه افغانستان در حال حاضر با آن روبروست، کمربند بودن و حجم پایین صادرات

های گوناگون سرمایه گذاری نمایند درین راه سود زیادی بدست خواهید آورد.

همچنان محترم حاجی محمد حسن رئیس اتحادیه صادرات میوه خشک افغانستان هم

سخنانی در این رابطه دارد: افغانستان اکنون در وضعیت خاص و حساس اقتصادی بسر میرد. از یک جهت فعلاً کشور ما آماده جذب و بکار اندازی سرمایه های بزرگ و کوچک است و از جهت دیگر اقتصاد بازار با سکتور خصوصی بر اساس قانون اساسی کشور، در افغانستان مرعی الاجرا میباشد. تطبیق بازار آزاد در افغانستان چون کاملاً جدید است، طبعاً با مشکلات و چالش هایی روبرو میباشد که امید وارهستم در این قسمت دولت جمهوری اسلامی افغانستان، تاجر و سکتور خصوصی را کمک همه جانبه نماید. از سرمایه گذاری ها در کشور باید دولت استقبال و حمایت کرده و در قسمت بکار اندازی آن با سرمایه گذار و تاجر همراهی کند. تدویر یازدهمین کنفرانس ایکو میتواند بعضی موانع و مشکلات را بر طرف سازد، در صورتیکه توافقاتی های آن جنبه عملی بخود بگیرد. از جمله رفع موانع ترانزیتی نیز بسیار مهم است. از نوشته های بالا چنین نتیجه بدست می آید: محتوای نشست ایکو، که در بر گیرنده مورد مختلف همکاری ها خصوصاً در بخش های اقتصادی را در بر دارد و تمام کشور های سازمان ایکو برای تطبیق و به اجرا در آوردن آن ابراز آمادگی کرده اند. در صورتیکه واقعاً همه اعضای ایکو درین مورد سعی و تلاش همه جانبه بخرج دهند زمینه های توسعه تجارت را بین کشور ها فراهم ساخته و موانع ترانزیتی را بر طرف سازند و از افغانستان من حیث پل ارتباط زمینی استفاده موثر نمایند، باعث رونق و رشد بیشتر تجارت گردیده و خصوصاً افغانستان می تواند، زیاد تر ازین فرصت ها و امکانات استفاده نماید. همچنان پیوستن افغانستان به بانک تجارت و انکشاف ایکو، زمینه ساز بیشتر سرمایه گذاری ها از طریق بکار اندازی قرضه های بانک تجارت و انکشاف ایکو به افغانستان گردیده و میتواند رشد تجارت و اقتصادی کشور ما را تسریع ببخشد. ●

در جهت سرمایه گذاری سکتور خصوصی در افغانستان سهم فعال و ارزنده ای داشته باشند. کشور ترکیه که عضو فعال این سازمان می باشد در روند پیشرفت افغانستان سهم فعال دارد و در ساحات مختلف ساختمانی و شرکت های تولیدی فعالیت همه جانبه میکند. اکنون ما در ساحات زیادی چون: زراعت، صنعت، آبیاری، تعلیم و تربیه، برق، ساحات تخنیکي به سرمایه گذاری ضرورت داریم. در کنفرانس به بخش مهمی اشاره گردید که ظرفیت سازی و یا تربیه کادرها در زمینه های سرمایه گذاری و ایجاد پروژه هاست. کشور های عضو ایکو تعهد کردند که در راستای ایجاد یک انجمن تربیوی غرض آماده ساختن اشخاص فنی و مسلکی ما را کمک نمایند. در خلای کنفرانس ایکو اینجانب و محترم وزیر اقتصاد کشور با وزیران بخش های اقتصادی و نمایندگان سکتور خصوصی کشور های اعضای ایکو ملاقات نمودیم که این پروسه سه روز بعد از کنفرانس نیز دوام نمود. امیدوارم تا به زودی این موانع رفع گردیده و وسایل ترانسپورتی حامل اموال تجارتی ما، بدون کدام مشکل و جنجال مطابق معیار های بین المللی رفت و آمد نمایند. انتقال لوله گاز از ترکمنستان با عبور از افغانستان به کشور های پاکستان و هندوستان دست آورد بزرگ در منطقه شمرده میشود که سالانه از درک عبور این لوله گاز از خاک افغانستان میلیونها دالر برای افغانستان عاید گردیده و همچنان مناطقی که پایپ لاین گاز از آن جا ها میگردد، از گاز مذکور استفاده کرده میتوانند. باید گفت چند سال بعد کشور ما با همسایه گان و کشور های عضو سازمان ایکو با خطوط آهن وصل خواهد شد که راه ترانزیتی سریع و خوبی را در اختیار خواهیم داشت و همچنان از طریق زمین با اروپا راه ترانزیتی میداشته باشیم و وسایل ترانسپورتی ما به اروپا رفت و آمد خواهند نمود.

آقای دلاوری گفت: ما برای سکتور خصوصی و حکومت اعضای سازمان ایکو پیشنهاد نمودیم که زمینه سرمایه گذاری بیش از هر وقت دیگر در افغانستان مساعد است شما میتوانید در بخش

با شرکت وزیران تجارت کشور های عضو ایکو به عمل آورند. اتاق تجارت و صنایع افغانستان و سکتور خصوصی کشور امید وارند که در آینده نه چندان دور در بخش های مختلفی چون: صادرات، واردات، استخراج معادن، ترانسپورت، زراعت و مالداري، پروسس میوه های خشک و تازه تعلیم و تربیه سرمایه گذاری صورت خواهد گرفت و در جهت توسعه و تحکیم سکتور خصوصی گام های موثری بر داشته شود.

همچنان نمایندگان اتاق تجارت و صنایع افغانستان و بخش های سکتور خصوصی کشور با نمایندگان اتاق تجارت کشور های اعضای ایکو نیز دیدار و ملاقات هایی انجام داده است که انشاءالله برای از بین بردن مشکلات تجاری و گمرکی موثریت خواهد داشت و بخش های تجارت رونق خواهد یافت، اتاق تجارت و صنایع افغانستان در زمینه تلاش همه جانبه و همیشگی خود را ادامه خواهد داد.

محترم رئیس جمهور در قسمت دیگری از سخنان خود بر تقویت سرمایه گذاری و توسعه سکتور خصوصی اشاره کرده گفت: تحکیم نقش سکتور خصوصی در پروژه های منطوقی و حمایت از فرصت های سرمایه گذاری باید پیگیری شود و مامسرت داریم که زمینه های لازم را برای سکتور خصوصی فراهم کرده و راه را برای توسعه همکاری و مشارکت مختلط مخصوصاً برای رفع موانع ساختاری جستجو نمائیم. در نخستین کنفرانس بین المللی سرمایه گذاری در دویی و چهارمین کنفرانس اقتصادی منطوقی در استانبول مطرح گردید، ما یکتعداد قوانین بهتر تجارتی و مقررات مربوط به حمایت از سرمایه گذاری و توسعه سکتور خصوصی را در افغانستان ایجاد کرده ایم.

محترم نورالله دلاوری وزیر مشاور در بخش سکتور خصوصی و رئیس اداره حمایت از سرمایه گذاری (ایسا) در رابطه چنین گفت:

در نشست سازمان ایکو سرمایه گذاری و مساعد ساختن زمینه برای سرمایه گذاری های خارجی در کشور مورد بحث قرار گرفت، کشور های عضو سازمان منطوقی ایکو وعده نمودند تا

د افغانستان بانک قانون

متفرقه

اته نوي يمه ماده:

(۱) د دې قانون په څلور نوي يمه او اته نوي يمه ماده کې درج شوي د جواز د غوښتنليک، ورکولو او ردولو شرايط او د هغه د ثبتولو يا لغوه کولو ډول د مربوطو مقرراتو مطابق مشخص کېږي.

(۲) جوازونه او ثبت د لاندې مراحلو لرونکي وي:

۱- د د افغانستان بانک د عامه ثبت په دفتر کې د معلوماتو درجول.

۲- د د افغانستان بانک لخوا جواز يا ثبت د تصديق ليک صادرول.

۳- د دې فقرې د (۱ او ۲) اجزاو په درج شوو مراحلو سيستم او د خدمت ډول او هغه اشخاص چې هغوي ته د جواز تصديق ليک صادريږي، هم په نښه کېږي.

(۳) د بها لرونکو خدمتونو وړاندې کوونکو او د بها لرونکو سندونو د لېږدونې د سيستم مجريانو او مقررو د حکمونو له په پام کې نيولو برسېره د لاندې چارو په ترسره کولو هم مکلف دي:

۱- د مربوطو مقرراتو مطابق د مشتريانو په هکله د معلوماتو راټولول او ساتل.

۲- د مربوطو مقرراتو مطابق د

مشتريانو، ادارې، راکړې ورکړې او مالي وضعیت په هکله د مطلوبه معلوماتو وړاندې کول.

(۴) د د افغانستان بانک کولای شي د بها لرونکو سندونو د خدمتونو د وړاندې کوونکو يا د بها لرونکو سند د لېږدونې د سيستم د مجري جواز او ثبت چې د دې قانون يا مربوطو مقرراتو حکمونه نقض کړي يا د خپلو ديونو له ورکولو څخه عاجز وي يا د جرم مرتکب شوی وي او يا د جرمي فعاليتونو د ترسره کولو په اړه د اشتباهاتو پر تقويې باندې يې مدارک موجود وي، لغوه کړي.

(۵) هغه شخص چې په مستقيمه يا غير مستقيمه توگه د بها لرونکو سندونو د لېږدونې د خدمت په هکله چې منع شوي دي يا د دې قانون په نهمه نوي يمه ماده کې درج يو له هدفونو سره په تناقض کې فعاليت وکړي يا له مشتريانو څخه لاس ته راغلي وجوه او بها لرونکي سندونه د هغوي په گټه يا د هغوي په حساب استعمال يا د هغه د استعمال اجازه ثالثو اړخونو ته ورکړي يا غولونکي عملونه ترسره کړي، د جرم مرتکب گڼل کېږي او په حبس چې له دوه کلونو څخه تجاوز ونه کړي يا په نقدي جریمه چې له پنځه

ويشتو زرو افغانيو څخه زياتې نه وي او يا په دواړو جزاءگانو باندې محکومېږي.

هغه اشياء چې د جرم په ارتکاب کې ورڅخه گټه اخيستل شوې وي (د نقدو پيسو په گډون) مصادره کېږي.

دندې

نهمه نوي يمه ماده:

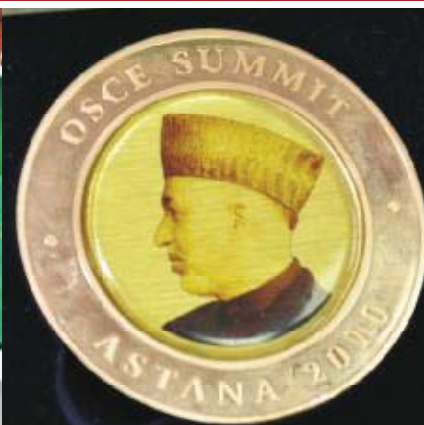
د د افغانستان بانک مکلف دی لاندې هدفونه چې په دې فعل کې د درج شوو دندو د پرمخ بيولو په منظور هغه ته ورسپارل شوي دي، پلي کړي:

۱- د بها لرونکو سندونو له خدمتونو، د بها لرونکو سندونو د لېږدونې د سيستم او مالي بازار ته د خلکو د باور او پېژندگلوۍ راجلبول او هغه ته پراختيا ورکول.

۲- په بها لرونکو سندونو کې د پانگه اچوونکو د شتمنيو او پانگوالۍ ساتل.

۳- د بها لرونکو سندونو د خدمتونو له ترسره کولو څخه چې د جرمي هدف د پلي کولو لپاره، غولونه (فريکاري) خيانت او د بها لرونکو سندونو يا له هغو څخه د لاس ته راغلو عوايدو په معاملې پورې مربوط له اطلاعاتو څخه ناوړه گټه اخيسته برخه پکې ولري، د اشخاصو منع کول. •

جلالتماب محترم رئيس جمهوري اسلامي افغانستان تحايف شان را به د افغانستان بانک سپردند



محترم حامد کرزي رئيس جمهوري اسلامي افغانستان نشاندهنده فرهنگ ارزشمندی است که روحیه از خودگذری به نفع جامعه و دولت را تقویت می نماید و بایست این فرهنگ را در تمام سطوح دولت و جامعه ترویج نمود.

در این مراسم محترم الحاج شجاع محمد امل رئيس کادر و پرسونل ریاست دفتر

محترم عبدالقدیر فطرت رئيس کل د افغانستان بانک، ضمن تحویلی این تحایف گفت که این تحایف ذاتاً دارای ارزش های گوناگون می باشد. از یک طرف ارزش مادی دارد که سبب تقویه بنيه مالی کشور خواهد شد و از سوی دیگر دارای ارزش معنوی فوق العاده بالا می باشد. اهدای این تحایف از جانب جلالتماب

جلالتماب محترم حامد کرزي رئيس دولت جمهوري اسلامي افغانستان به سلسله سپردن تحایفی که از طرف روسای جمهوري و سران دول و حکومت های کشورهای مختلف در مناسبت های گوناگون به ایشان اهدا گردیده است، امروز ۱۴ جدی سالروان شماری از تحایف را به بانک مرکزی تحویل نمودند.





پانزدهمین سالگرد آزادی کویت به وزن ۲۸,۴ گرام صادر شده است.

۱۰- یک عدد سکه طلائی ۱۰۰ فلاس

کویتي با طلا ۲۱ قرات و وزن ۱۲,۳ گرام

۱۱- یک عدد سکه طلائی ۵۰ فلاس

کویتي با طلا ۲۱ قرات و وزن ۸,۵ گرام

۱۲- یک عدد سکه طلائی ۲۰ فلاس

کویتي با طلا ۲۱ قرات و وزن ۵,۷ گرام

۱۳- یک عدد سکه طلائی ۱۰ فلوس

کویتي با طلا ۲۱ قرات و وزن ۷,۶ گرام

۱۴- یک عدد سکه طلائی ۵ فلس کویتی

با طلا ۲۱ قرات و وزن ۵ گرام

۱۵- یک عدد سکه طلائی ۱ فلوس کویتی

با طلا ۲۱ قرات و وزن ۴ گرام

مدال طلائی با تصویر جلالتماب حامد

کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

که از جانب کشور قزاقستان اهدا گردیده

است با طلا ۱۴ قرات و وزن ۱۹۹,۳۷ گرام ●

مورد پایپ لاین گاز

۴- نشان جلسه OSCE در شهر آستانه

قزاقستان در سال ۲۰۱۰

۵- نشان فلزی که از جانب بانک مرکزی

ترکمنستان به مناسبت عقد قرارداد پایپ

لاین گاز بین ترکمنستان، افغانستان،

پاکستان و هند صادر شده است.

۶- کشتی فلزی گرانبها به رنگ طلائی

اهدائیه اتاق تجارت و صنایع قطر

۷- سه سکه نقره ئی که به مناسبت

پانزدهمین سالگرد روز آزادی کویت از

جانب بانک مرکزی کویت به وزن ۷۲,۱

۷۲,۳ و ۷۲,۴ گرام صادر شده است.

۸- سکه نقره ئی که به مناسبت اولین

سالگرد آزادی کویت (۱۹۹۱) از جانب

بانک مرکزی آنکشور به وزن ۲۸,۴ گرام

صادر شده است.

۹- سکه نقره ئی دو دیناری که بمناسبت

مقام محترم ریاست جمهوری نیز صحبت

کرد و از جانب مقام دفتر ریاست

جمهوری وعده سپرد که سلسله اهدای این

تحایف به حساب دولت در آینده نیز دوام

خواهد کرد. تحایفی که در مراسم امروز به

بانک مرکزی سپرده شده، عبارتند از:

۱- سکه طلائی ضرب ضربخانه شاهی

انگلستان به مناسبت پانزدهمین سال جدائی

ترکمنستان از اتحاد جماهیر اسبق شوروی

که وزن آن ۳۹,۸ گرام و طلائی آن ۲۱

قرات است.

۲- سکه نقره ئی ضرب ضربخانه شاهی

انگلستان به مناسبت پانزدهمین سال جدائی

ترکمنستان از اتحاد جماهیر اسبق شوروی

که در وسط آن ملمه کاری طلا می باشد،

وزن آن ۲۸,۲ گرام است.

۳- نشان جلسه تاریخی ترکمنستان،

افغانستان، پاکستان و هند در عشق آباد در



طرز اتصال نمایندگی های د افغانستان بانک با مرکز توسط شبکه ویست

نمایندگی های

د افغانستان بانک با شبکه

فایبر نوری وصل میشود

بخشیده و خدمات بهتر و سریعی که با استفاده از تکنالوجی معلوماتی صورت می گیرد برای مشتریان خویش عرضه می کند با گذشت هر روز این پروژه با تسهیلات خونتر اجرا میگردد. د افغانستان بانک سیستم بانکی CBS خویش را در سراسر کشور تطبیق نموده است که نمایندگی های د افغانستان بانک با سیستم CBS در مرکز از طریق شبکه ویست ستلایتي باهم وصل می باشد.

این شبکه که در تصویر فوق تشریح گردیده است، یک شبکه طولانی، بطی و قیمت بهاست. بطور مثال: در صورتیکه یکی از نمایندگی های د افغانستان بانک بخواهد با مرکز تماس بگیرد، اول به قمر مصنوعی ارتباط میگیرد که این مسافه تقریباً ۸۰۰۰ الی ۲۰۰۰۰ کیلو متر میباشد. بعداً آدرس و یا موقعیت مرکز از HUB دریافت میگردد که دوبار دیگر این فاصله ۸۰۰۰ الی ۲۰۰۰۰ کیلو متری که توسط شماره های (۲)

با هفت زون و ۴۸ نمایندگی در کشور فعالیت میکند و با سیستم های عصری بانکداری چون: SWIFT, ACSS, CBS مجهز است و با مرکز د افغانستان بانک آنلاین میباشد. همچنان محترم صافی در رابطه به شبکه انترنتی ویست ستلایتي معلومات ارائه نمود.

بعداً محترم گل احمد راستمن رئیس اجرائیوی شرکت مخابراتی افغان تیلی کام در قسمت فعالیت های شبکه فایبر نوری و طرق استفاده از شبکه مذکور صحبت نمود.

متعاقباً تفاهمنامه بین د افغانستان بانک و شرکت مخابراتی افغان تیلی کام توسط محترم محب الله صافی و گل احمد راستمن به امضا رسید.

محترم احمد عصمتی آمر دیپارتمنت تکنالوژی معلوماتی که حین امضای تفاهمنامه حضور داشت در رابطه به فعالیت شبکه ویست ستلایتي و شبکه فایبر نوری چنین معلومات ارایه نمود:

تکنالوجی معلوماتی روند بانکداری را سرعت

به روز دوشنبه ۶ جدی سال روان تفاهمنامه یی بین د افغانستان بانک و شرکت مخابراتی افغان تیلی کام به امضا رسید، در محفلی که به همین مناسبت در دفتر معاونیت اول د افغانستان بانک به اشتراک محترم الحاج محب الله صافی معاون اول د افغانستان بانک، محترم گل احمد راستمن رئیس اجرائیوی شرکت مخابراتی افغان تیلی کام، دوکتور محمد گل عتیقی مشاور حقوقی، تعدادی از آمرین دیپارتمنت های د افغانستان بانک و شرکت مخابراتی افغان تیلی کام تدویر یافته بود ابتدا محترم الحاج محب الله صافی معاون اول د افغانستان بانک روی پیشرفت های سکتور بانکداری افغانستان صحبت نموده گفت: نظام بانکداری افغانستان سیر پیشرفت خود را می پیماید، امروز در کشور ۱۷ بانک فعالیت میکنند که با سیستم های عصری بانکداری و نورم های بین المللی عیار می باشد و در کشور فعالیت سرتاسری دارد، بانک مرکزی افغانستان همچنان





محترم محب الله صافی معاون اول د افغانستان بانک و گل احمد راستمن حین امضاء تفاهمنامه

و (۳) نشان داده شده، طی میگردد و بالاخره تماس با مرکز د افغانستان بانک که توسط شماره (۴) مشخص شده و همچنان فاصله بین دفتر مرکزی د افغانستان بانک که حدود ۸۰۰۰ الی ۲۰۰۰۰ کیلو متر است یک بار دیگر طی خواهد شد.

عصمتی افزود:

شبکه فایبر نوری توسط نور دیتا را از یک محل به محل دیگر مستقیماً انتقال میدهد، که این دیتا به سرعت نور حرکت میکند. چون این ارتباط مستقیم صورت میگیرد و فاصله کوتاه میباشد، به زود ترین فرصت ارتباط به قرار میگردد. این شبکه توسط شرکت مخابراتی افغان تیلی کام تاسیس گردیده است که قرار است این شبکه حلقوی تمام ولایات افغانستان را با مرکز (کابل) و ولایات سرحدی را به شبکه فایبر نوری کشور های همجوار وصل نماید. فعالیت این شبکه در ساحات شمال، شمال شرق، مرکز و شرق کشور تقریباً تکمیل گردیده است و قرار است عنقریب مناطق جنوب و غرب کشور را هم با مرکز وصل نماید. این پروژه توسط وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی افغانستان تمویل گردیده که بودجه آن ۶۴،۵ میلیون دالر میباشد. به همین ترتیب، د افغانستان بانک قرار داد اتصال حدود ۲۰ نمایندگی خویش را که در نقاط شمال، شمال شرق، مرکز و شرق کشور قرار دارند با شرکت مخابراتی دولتی افغان تیلی کام عقد نمود.

کار پروژه عنقریب آغاز خواهد شد و بعد از تکمیل این پروژه ۲۰ نمایندگی د افغانستان بانک تحت پوشش این شبکه قرار خواهد گرفت، سرعت ارتباط آن از ۶۴/۱۲۸ kbps با شراکت به ۲ mbps مستقل که حدود ۶۰ مرتبه سریعتر میباشد، ارتقا خواهد یافت. ناگفته نباید گذاشت که شبکه فعلی ۲۰ نمایندگی تحت پوشش شبکه نوری قرار خواهد گرفت.

همچنان حفظ شده و منجبت شبکه احتیاطی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. همچنان قرار داد ایجاد مرکز نجات از آفات بتاریخ ۲۲ قوس سالروان توسط محترم الحاج محب الله صافی معاون اول د افغانستان بانک و آقای یاسر زین

(Donors) ها در تماس شده نیاز بودجه را برای ایجاد مرکز نجات از آفات پیشنهاد نمود، که در نهایت جمله دونه ها، تفاهمنامه بی در این مورد بین د افغانستان بانک و UNDP توسط محترم عبدالقدیر فطرت رئیس کل د افغانستان بانک و آقای منوج بسنیت مسئول UNDP در افغانستان به امضا رسید. بعد از بررسی و باز دید از دیتا ستر های مشهور در کشور های هندوستان و امارات متحده عربی با در نظر داشت مقایسه سطح تکنالوجی معلوماتی، خطرات طبیعی و سهولت محیطی نرخ آن توسط هیات تخنیکی بریاست محترم محمد عیسی طراب معاون دوم د افغانستان بانک بررسی و تعیین شد که قرارداد ایجاد مرکز نجات از آفات بتاریخ ۱۳ دسمبر ۲۰۱۰ توسط محترم الحاج محب الله صافی معاون اول د افغانستان بانک و محترم آقای یاسر زین الدین رئیس اجرائیوی دیتا سنتر eHosting DataFort در کشور امارات متحده عربی عقد گردید. مرکز نجات از آفات د افغانستان بانک را در عرصه حفظ و نگهداشت سیستم های حیاتی خویش از قبیل CBS، ACSS، SWIFT و ... کمک نموده و تداوم کاری را در صورت هر نوع خطر طبیعی و یا غیر طبیعی تضمین خواهد نمود. ●

الدین رئیس اجرائیوی دیتا سنتر eHosting DataFort در کشور امارات متحده عربی عقد گردید که محترم احمد عصمتی در رابطه گفت: مرکز نجات از آفات یا Disaster Recovery Center مسوولیت تدابیر پلان و طرز حفظ و نگهداشت ساختار تکنالوجی معلوماتی یک اداره، بعد از یک آفت طبیعی و یا بشری را بر عهده دارد. نجات از آفات یکی از بخش های مهم تداوم فعالیت میباشد که تداوم فعالیت تمام بخش های کاری یک اداره را در بر میگیرد، نجات از آفات توجه خود را بالای سیستم های تکنالوجی معلوماتی تمرکز میدهد.

تمام ادارات مالی بخصوص بانک های مرکزی، ضرورت به مرکز نجات از آفات دارند تا در صورت تهدید هر نوع خطر بالای دیتا سنتر Data Center آن اداره، مرکز دومی دیگری داشته باشد تا بتواند تداوم فعالیت آن اداره را تضمین نماید. نبود ساختار تکنالوجی معلوماتی منظم و موجودیت تهدید های گوناگون از قبیل خطرات طبیعی و خطرات امنیتی در کشور، ایجاد مینمود تا مرکز نجات از آفات دیتا ستر را د افغانستان بانک در خارج از کشور تاسیس نماید.

دیپارتمنت تکنالوجی معلوماتی به کمک همیشگی هیئت عامل د افغانستان بانک، با دونه ها

توضیحاتی در باره مقاله بانکهای افغانستان نبض اقتصادی نشده اند

بدنبال انتشار مقاله ای باعنوان بانکهای افغانستان نبض اقتصادی نشده اند؟ در روزنامه راه نجات و طرح برخی از نکات ابهامبرانگیز نسبت به نظام بانکی لازم دیده شد جهت تنویر افکار عامه و خوانندگان توضیحاتی ارائه شود.

با مرور سطحی به این مقاله می توان دریافت که نویسنده با انگیزه غیر حرفه ای اقدام به طرح شبهات و ادعاهایی علیه نظام بانکی می کند . این مقاله فاقد معیارهای دقیق برای نقد نظام بانکی و سرشار از جهت گیری هدفمند علیه نظام بانکی است و در آن انصاف و داوری بی طرفانه رعایت نشده است. اخلاق روزنامه نگاری می طلبد که نویسنده در داوری در باره یک موضوع، زوایای مثبت و منفی را نگریسته و از جهتگیری و غرض ورزی اجتناب ورزد.

مقاله دارای تناقض محتوایی است: درابتدای مقاله به تلاشهای دولت در جهت گسترش فعالیت های بانک خصوصی و تبدیل این نظام به نهاد واسطه ای برای سوق دادن فعالیت ها و منابع مالی به سمت فعالیت های سودمند و مولد اعتراف می کند. در جای دیگر از گوشه گیری و سکوت بانک مرکزی سخن می گوید.

تا آنجایی که هرفرد آگاه می داند که نهاد مسؤل و متولی در یک دولت برای توسعه و تقویت نظام بانکی بانک مرکزی آن کشور است. بانک مرکزی نماینده، کارگزار و سیاست گذار

دولت در عرصه نظام بانکی است. هیچ نهاد دیگری خارج از بانک مرکزی مسئولیتی در برابر نظام های بانکی ندارد بنابراین نمی شود به تلاش های دولت اعتراف کرد و درعین حال بانک مرکزی را متهم به گوشه گیری نمود.

اتهام دیگر تمرکز کلیه فعالیت های نظام بانکی به نقل و انتقال پول است. لازم است توجه شود که یکی از حوزه های کاری نظام بانکی نقل و انتقال پول است. در واقع مسئولیتی که بانک ها دارند این است که از نقل و انتقال پول از مجاری غیر رسمی جلوگیری شود. انتقال پول از مجاری قانونی و از طریق بانکها باید یک پدیده مثبت تلقی می شود نه منفی.

در بخشی دیگر، نویسنده فلسفه وجودی فعالیت بانکها را در دریافت و پرداخت بهره و تکتانه خلاصه می کند. روشن است که بانک یک بنگاه اقتصادی است و هدف از تأسیس و فعالیت آنها کسب سود است. از آنجا که براساس قانون، اشتغال بانکها درهر گونه فعالیت های غیرواسطه گرانه مانند: تجارت، تولید، ساخت و ساز و ... ممنوع است تنها راه سودآوری بانکها از طریق جمع آوری پس انداز و تأمین قرضه و دریافت بهره صورت می گیرد. از این رو بانکداری رایج، بانکداری مبتنی بر بهره نامیده می شود. قابل ذکر است که دریافت بخشی از بهره را به عنوان کارمزد خدمات، جبران کاهش ارزش پول به دلیل



تورم و ریسک دور بودن پول از دست صاحب از سوی بانکها قابل توجهی شمرده می‌شود.

در عین حال برای رفع تشویش هموطنان محتاط که از معاملات ربوی اجتناب می‌کنند، بانک مرکزی افغانستان از چندی قبل تلاشهای گسترده‌ای را در راستای گسترش بانکداری اسلامی آغاز کرده است. نسخه پیش نویس قانون بانکداری اسلامی آماده طی مراحل جهت تصویب و توشیح است. مورد شریعه اسلامی تأسیس شده است. در بانک مرکزی واحد مخصوص نظارت بر فعالیت بانکداری اسلامی آغاز بکار کرده است و بسیاری از بانکها هم اکنون محصولات اسلامی را عرضه می‌کنند. بانک مرکزی برای جلوگیری از اختلاط معاملات بانکداری اسلامی و معاملات بانکداری سنتی حسابات مستقل و مجزایی را برای تسویه و تصفیه معاملات بانکداری اسلامی ایجاد کرده است.

نویسنده مدعی است که گوشه‌گیری و عدم نظارت بانک مرکزی باعث شده تا تضمینی برای وام‌های داخلی و سرمایه‌گذاری‌های داخلی از بانک‌ها در افغانستان وجود نداشته باشد. اولاً یاد آور می‌شود که بانک مرکزی هیچ‌گاه گوشه‌گیر نبوده است. ثانیاً جهت اطلاع ایشان و خوانندگان باید گفت که به همت بانک مرکزی افغانستان شرکت بیمه سپرده‌های افغان تأسیس شده است و به زودی این شرکت پس از تصویب قوانین، بیمه سپرده‌ها را به عهده خواهد گرفت. ثالثاً بانکهای مرکزی در هیچ‌جای دنیا سرمایه‌گذاری داخلی را تضمین نمی‌کند. شرکت‌های بیمه تضمین سرمایه‌گذاری‌ها نهادی است خارج از نهادهای بانکی و بانک مرکزی در قبال تأسیس این

نوع بیمه‌ها مسئولیتی ندارد. ضمناً برای کسب اطمینان از برگشت قروض بانکها تمامی بانکها مکلف شده‌اند که از هر قرضه‌ای که صادر می‌کنند معادل ۱۵٪ وجه قروض از مشتریان تضمین عینی دریافت کنند.

اما اگر منظور نویسنده از سرمایه‌گذاری‌های داخلی پس‌اندازهای داخلی باشد که گویا از قراین و فحواي کلام ایشان در استناد به قضیه کابل‌بانک این برداشت تأیید می‌شود در آن صورت باید در کاربرد کلمات دقت کرد. میان دو مفهوم پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد کلان تفاوت بسیار زیاد وجود دارد. ایشان به قضیه کابل‌بانک اشاره کرده اما یادی از مدیریت هوشمندانه بانک مرکزی در این ماجرا نکرده است. اولاً باید گفت که رویش و ریزش در تمامی موسسات و نهادهای اجتماعی-اقتصادی از جمله بانکها امری طبیعی است و منحصر به افغانستان نمی‌شود. در تمامی اقتصادهای درحال توسعه و پیشرفته این اتفاقات به وفور رخ می‌دهد. شاهد این مدعا حوادث سه سال گذشته است. در طی سه سال گذشته در امریکا و کشورهای اروپایی چند صد بانک دچار ورشکستگی گردید. یکی از نمونه‌های برجسته بانک لیپمن برادرز است که با ارزش چند صد میلیاردی خود در طی یک هفته سقوط کرد. براساس آمارها این سیر صعودی بوده است در برخی از کشورها مانند آیسلند کل نظام بانکی یک کشور از هم فروپاشید.

در ماجرای کابل بانک نیز آن چه باعث هجوم و سرگردانی مردم گردید رسانه‌های بین‌المللی و ملی بود که با انتشار برخی اخبار باعث تشویش خاطر هموطنان گردید. با این حال تدبیر بانک مرکزی و حمایت و تأیید رییس‌جمهور و همسویی وزارت محترم مالیه از وقوع یک بحران در نظام مالی در کشور جلوگیری کرد.

در مقاله آمده است که در کشورهای همسایه ۸۰ درصد دارایی بانکها در پروژه‌های تولیدی سرمایه‌گذاری می‌شود. ◀◀

اولاً معلوم نیست این رقم مبالغه آمیز و دور از واقعیت را نویسنده از کجا کشف کرده است. در هیچ کشوری ۸۰ درصد دارایی بانکها در پروژه های تولیدی سرمایه گذاری نمی شود. در هر بانک اصول مدیریت ریسک و پرهیز از خطر ایجاب می کند که بانکها بین ۳۰ تا ۴۰ درصد از دارایی های خود را به صورت دارایی سیال نگهداری کنند. ثانیاً عدم رشد سرمایه گذاری در افغانستان معلول پدیده های دیگر مانند: نا امنی و ریسک بالای سرمایه گذاری است نه به دلیل عدم دسترسی به اعتبار. در سال ۲۰۱۰ براساس گزارش بانک جهانی افغانستان از رتبه ۱۷۰ به رتبه ۱۲۷ ارتقا کرد که این ارتقا حاکمی از رشد و سهولت دسترسی متقاضیان به اعتبار است.

این ادعا که به دلیل عدم برنامه ریزی دقیق و فشارها از سوی بانک مرکزی برای نگهداری سرمایه لازم در زمان ورشکستگی، نبض اقتصادی کشور در حالتی متزلزل قرار دارد حاکمی از عدم اطلاع نویسنده از اطلاعات اولیه در زمینه بانکداری در افغانستان است. اگر منظور نویسنده نرخ ذخیره اجباری باشد این نرخ در افغانستان از هم اکنون نیز در مقایسه با اوسط منطقه و جهان بالاست. اگر منظور نگهداری وجوه دیگر علاوه بر ذخیره اجباری باشد این کار مغایر با قانون و موجب از بین رفتن انگیزه برای فعالیت بانکداری است.

چنانکه در ابتدا مطرح شد در این مقاله هیچ اشاره ای به رشد چشمگیر و خدمات بی سابقه نظام بانکی افغانستان نشده است. افزون بر ۷۳۰ نمایندگی ها و ماشین های اتومات صرافی و دیگر تسهیلات در حال حاضر در کشور مشغول ارائه خدمات بانکی است. انتقال وجوه در داخل و خارج از کشور به طور خارق العاده راحت و آسان شده است. معاشات کارمندان دولت

بدون سکتگی و هزینه در کمتر از ۲۴ ساعت در سراسر کشور از طریق شبکه بانکی پرداخت می شود. بانکداری از طریق انترنت و موبایل امکان انجام معاملات بانکی را تقریباً از تمام نقاط کشور بدون مراجعه فیزیکی به بانک میسر ساخته است. به یمن این خدمات انجام خریداریها از طریق انترنت و پرداخت صرفیه ها در شبعت بانکی زحمت شهروندان را کاهش داده است. نظام بانکی کشور برای نزدیک به ده هزار نفر شغل ایجاد کرده است. کل دارایی نظام بانکی بر ۱۹۵ میلیارد افغانی بالغ شده است. در مجموع نزدیک به یک و نیم میلیون سپرده گذار حدود ۱۵۲ میلیارد افغانی در بانکهای افغانستان سپرده گذاری کرده اند. قروض بانکی به حدود ۸۰ میلیارد افغانی رسیده است و این رقم روز بروز گسترش می یابد. مجموعاً بیش از ۵۴ هزار قرضه از سوی بانکها پرداخت شده است. در سایه این قرضه ها ده ها هزار شغل ایجاد شده است. برخلاف ادعای نویسنده، آمار و ارقام فوق نشان از افزایش اعتماد مردم به بانکها دارد. افزایش سهم سپرده ها به پول افغانی نیز بیانگر افزایش اعتماد بیشتر به پول ملی است.

در پایان باید گفت که از اهل قلم و رسانه انتظار می رود با کنار گذاشتن هر گونه سیاه بینی و جهت گیری های منفی در کنار بیان پاره ای از کاستی ها، دستاوردهای نظام بانکی را نیز مورد توجه قرار دهند. رسالت و مسئولیت رسانه ها بیان حقایق و وقایع به صورت بی طرفانه است. تشویش اذهان مردم و طرح القائات و شبهه های بی مورد به نفع هیچ کس نخواهد بود. به خصوص در حوزه هایی مانند بانکداری که خدمات و تسهیلات آن را همگان به وضوح می بینند ادعاهایی بی اساس و اتهامات واهی موجب بی اعتباری رسانه منشتر کننده این ادعا ها خواهد شد. ●

د افغانستان طبيعي زیرمې

(نیکمرغي يا بد مرغي!)



د کورنیو او بهرنیو ترښتګونو د جوړیدو مسول پسرمل پسرلی

تباهي له ځانه سره لرلای شی. د دې دوه مخیزې سکې بد مرغه مخ هغه وخت ډېر څرګندېږي چې یو دولت د کورنیو او بهرنیو ستونزو سره لاس او ګریوان وي په ځانګړې توګه په یو جګړه ځپلي هېواد لکه افغانستان. افغانستان نه یوازې دا چې څو لسیزو کورنیو جګړو ډیر ځپلی، بلکې ټول سیستمونو یې لکه: اقتصادي، اجتماعي، سیاسي، فرهنګي او داسې نورو بنسټونو یې ډېر زیان لیدلی دی، د بېلګې په توګه په ۲۰۱۰ میلادي کال کې د شفافیت د نړیوالې ادارې (Transparency International) د سروې په بنسټ افغانستان له بده مرغه د ۱۷۸ هېوادونو له ډلې څخه ۱۷۷ یم هېواد دی چې په اداري فساد باندې اخته ګڼل کېږي. همدا ډول کورنۍ جګړې پکې لا روانې دي او هم د زیاترو نړیوالو ملګرو د مرستو په نیت کې شکونه موجود دي یعنې د دوی په کړنو کې دوه مخي موجوده ده، په ځانګړې توګه د ګاونډیو هېوادونو د ټولو څخه بد حالت دا چې د ولس ډیرې برخه یې د خرابې روغتیا، بې سوادۍ او زده کړې ته د نه لاس رسۍ او له بد اقتصادي حالت څخه سر ټکوي چې راتلونکي ته یې هیله کمه ښکاري.

د دې ټولو ناخوالو ترڅنګ، ځینې داسې کړې موجودې دي چې د افغانستان د مرکزي نظام په غښتلتیا کې خپل ذوال ویني، نو همدا ده چې دا کړې په بیلا بیلو بڼو مرکزي دولت کمزوری کوي او خپلو پلویانو ته د نظام د پاشلو تبلیغات کوي. نو په پوره باور ویلی شو چې د دې ټولو ناخوالو، چلنجونو، بد مرغيو او ستونزو په جریان کې د طبیعي زیرمو راویستل افغانستان ته لاندې بدمرغۍ له ځانه

سره لرلای شي: د ټولو څخه وړاندې، طبیعي زیرمې ډېر ډیزیز زیروي په دې معنی چې د طبیعي زیرمو صادرات د کورنیو پیسو ارزښت لوړوي نو کله چې د کورنیو پیسو ارزښت لوړ شي په دې صورت کې د نورو تولیدي توکو د صادرولو مخنیوی کیږي او هم صادراتي نشي کولای چې د نورو هېوادونو څخه د وارداتي توکو مقابله وکړي. د بېلګې په توګه کله چې د هالینډ هېواد د تیلو د زیرمو په راویستلو پیل وکړ د همدې ستونزې سره مخ شو، نو هماغه ؤ چې د لومړي ځل لپاره په ایکانومیسټ مجله کې دا اصطلاح و کارول شوه. له بده مرغه افغانستان چې د وړاندې څخه څو محدود توکي صادروي، د طبیعي زیرمو راویستل به په نورو برخو کې د تولید او صادراتو هیلې او کوشنونه په نطفه کې شنډ کړي.

د دې ترڅنګ، طبیعي زیرمې د ډیموکراتیکو دولتونو پرځای استبدادي دولتونه واکمن کوي دا ځکه چې یوه ځانګړې کړۍ غواړي چې د طبیعي زیرمو ټولې پیسې او ګټې په بیلا بیلو بڼو د خپل ځان کړي. له همدې امله هېڅ کله په اسانۍ سره نه غواړي چې واک له لاسه ورکړي او کوشنې کوي چې د ډیموکراسۍ په ځای استبداد غښتلی کړي. داسې کړۍ د خپل سیاسي قدرت د پیاوړتیا په موخه د ملت پیسې په څو محدودو کسانو ویشي په ځانګړې توګه په هغو کسانو چې زیاتې رایې ولري ترڅو په دایمي توګه د دوی ګټې خوندي وي. د بېلګې په توګه، زیاتره وروسته پاتې په ځانګړې توګه ناکام دولتونه د همدې ستونزې ښکار دي. افغان

افغانستان چې د سیاست او اقتصاد له پلوه د اسیا زړه د مرکزي او جنوبی اسیا ترمنځ د پل حیثیت لري، په وچه کې پروت کوچنی هېواد دی چې د ډېرو ارزښتونو او بدمرغيو تر څنګ، د طبیعي زیرمو له پلوه یو موږ هېواد ګڼل کېږي. په دې وروستیو کې د افغانستان د کانونو وزارت لخوا داسې معلومات خپاره شول چې د یوې تر سره شوې سروې له مخې افغانستان د یوه څخه تر درې تریلیونو امریکایي ډالرو (۱-۳ Trillion Us Dollars) په ارزښت طبیعي زیرمې لري. د دې معلوماتو په خپریدلو او اوریدلو سره د افغانستان د نیکمرغۍ او بد مرغۍ ګونګوسې خبرې شوي چې حتی ولسمشر حامد کرزي هم په خپله یوه وینا کې ناهیلې او ویره څرګنده کړې چې ګواکې دا خبره به افغانستان د کورنیو جګړو ډګر وګرځوي. خو پوښتنه دا ده چې آیا د طبیعي زیرمو راویستل به افغانستان ته نیکمرغي یا بد مرغي وي؟ طبیعي زیرمې د یو هېواد آبادي او



Gulf, and we can not permit a dictator... to sit astride that economic lifeline.” نه يوازې دا چې دولتونه په طبيعي زيرمو ماړه - غني هېواد کې د خپلو ملي گټو لپاره لاس وهنې کوي بلکې نړيوالې کمپنۍ هم د خپل حرص لپاره پداسې هېوادونو کې په ډيره حريصانه او ظالمانه توگه لاس وهنه کوي. د دې حالت ښه بېلگه د کانگو هېواد اوسنی واکمن ځواک دی. د کانگو هېواد اوسنی جمهور رئيس د يوې نړيوالې کمپنۍ په مټو د واک په گټلۍ ناست دی. ډينيس چې يو وخت ياغي(باغي) ؤ او د بغاوت په دوران کې د يوې نړيوالې کمپنۍ لخوا يې ملاتړ کيده ترڅو يې واک ته ورسوي او د کانگو طبيعي زيرمې ترلاسه کړي چې همدا سې وشو. د بېلگې په توگه د کانگو هېواد د کال د يو بيليون امريکايي ډالرو په ارزښت طبيعي



د پورتنیو بدمرغيو سربيره طبيعي زيرمې بهرنيو هېوادونو او نړيوالو کمپنيو ته د لاس وهنې زمينې برابروي. د رياليزم يا ريښتني تيوري په بنسټ، هر هېواد د خپلو ملي گټو لپاره په بيلا بيلو ښو کوشښ کوي تر څو خپله واکمنه قوه په طبيعي زيرمو واکمنه ولري، ترڅو وکولای شي چې د طبيعي زيرمو څخه پخپله گټه پورته کړي. د بېلگې په توگه، کله چې په ۱۹۹۰ او پر له پسې کلونو کې د امريکا له لوري عراق د سخت غبرگون سره مخامخ شو امريکا ته د کويت تيلو ارزښت درلوده او که کويتيانو د امريکا د سياسي لوبغاړو په زړونو کې کوم ځانگړی ځای درلود. د دې لپاره چې خبره لا څرگنده شي، د امريکا د بهرنيو چارو وزير جيمز بيکر په هماغه وخت کې په يو مطبوعاتي کنفرانس کې خبريالانو ته داسې وايي، “The economic lifeline of the industrial world runs from the

دولت چې د بُن د پريکړو (۵ دسمبر ۲۰۰۱) وروسته د ډيموکراسۍ پياوړتيا ته ژمن دی او اوس مهال ډيموکراسي د خاپوړو په حالت کې ده نو د طبيعي زيرمو راويستل او په وړيا پيسو يې د څو کړيو را ټوليدل به دا خوځښت، استبداد او ديکتاتوري ته واړوي. بله دا چې، ډيموکراتيک دولتونه له ملت سره د يوه ځانگړي تړون په بنسټ ولاړ وي. دا تړون د ملت لخوا د ماليې ورکول دي او په بدل کې دولت، ملت ته خدمتونه وړاندې کوي. د دې تړون اصلي ارکان له وفادارۍ، د مسوليت احساس او حساب ورکونې څخه عبارت دي، خو له بده مرغه د طبيعي زيرمو مفتي(وړيا) پيسې دا حالات لمنځه وړي. نو همدا ده چې د وروسته پاتې او يا ناکامو دولتونو په سر کې سياسي لوبغاړو کې د مسوليت احساس نه وي او حساب ورکونه ډيره کمه او يا هېڅ نه وي.

لاره پرانيزي نو دولت ته پکار ده چې پدې برخه کې ډير احتياط وکړي.

نه يوازې دا چې د کانونو درلودونکو برخو اوسيدونکو غوښتونو ته ځانگړی پام وشي بلکې د طبيعي زيرمو څخه لاسته راغلې پيسې په بنسټيزو پروژو و لگلول شي کوم چې بوتسوانا او ماليزيا تجربه کړي، په ځانگړي توگه په توليدي او صادراتي پروژو باندې دا پدې معنی چې له يوه خوا توليد او صادراتو ته لومړني اسانتيا برابريري او له بلې خوا کله چې بهرني مرستې ودريري او يا هم طبيعي زيرمي خلاصی مومي نو بايد دومره څه وي ترڅو يو هېواد و کولای چې د خپل بقا او پايښت لپاره څه ولري او هم د پرمختگ په لور روان وي.

دا ډيره اړينه ده چې زياتره وروسته پاتې په ځانگړي توگه ناکام دولتونه د طبيعي زيرمو له پلوه ښه ماړه وي خو له بده مرغه د پاليسۍ او ظرفيت له پلوه ډير خوار وي. پداسې حالاتو کې د بهرنيو مالي مرستو پر ځای ظرفيتي مرستې او هم د ظرفيت د لوړولو لپاره هلې ځلې وشي. او هم هر يو په طبيعي زيرمو موږ هېواد ته پکار دي چې د ملی گټو په پام کې نيولو پر بنسټ د نړيوالو فرمانونو او قوانينو څخه پيروی وکړي. او کوبښن وشي چې د هغو سازمانونو او ميثاقونو غړيتوب تر لاسه کړي چې د طبيعي زيرمو د راويستلو د روڼ والی په موخه منځ ته راغلي دي لکه:

Foreign Corrupt Practices Act of ۱۹۷۷ او **Convention of ۱۹۹۹** او هم بايد د زيرمو راويستل د ازاد بيدينک له لارې د هغو هېوادونو کمپنيو ته ورکړل شي چې د دې ميثاقونو غړيتوب ولري ترڅو راويستل په شفافه توگه وشي نه دا چې لکه د عينکو د مسو راويستل هغه کمپنۍ ته په لاس ورکول چې هېواد يې نه د دې ميثاقونو غړيتوب لري او نه د دې ميثاقونو ملاتړ کوي بلکې



دفاعي (د کميت او کيفيت له پلوه د ملي وسلوال پوځ منځ ته راتگ) او همدا شان په ټولنيزو او کلتوري برخو کې ملي لاسته راوړنې شته، خو په يو ويشتمې پيړۍ کې افغانان نه ښايي چې پدې پرمختگونو بسنه وکړي او بايد هڅه وشي چې افغانستان د سيالو هېوادونو سره سيال شي.

که د طبيعي زيرمو راويستل بدمرغي لري نو د دې سکې بل مخ د يوه هېواد د پرمختگ لامل هم گرځيدلی شي. د بېلگې په توگه، طبيعي زيرمي نه يوازې دولت ته د عادي او پرمختيايي بودجې د برابرولو مهمه سرچينه ده بلکې يو دولت د نړيوالو د پاملرنې وړ گرځي، پانکه اچونه منځ ته راځي او هم تر ډيره بريده دولت خود کفا کيږي.

د افغانانو لپاره ښې بيلگې د نړۍ په کچه شته ترڅو د دې بېلگو څخه د درس په اخستلو افغانان د طبيعي زيرمو څخه ملي گټه وکړي لکه: ماليزيا بوتسوانا او داسې نور هېوادونه. د دی بېلگو څخه د درس په اخستلو د پورتنيو قوي احتمالي بدمرغيو مخنيوی او د دې سکې بدمرغه مخ په نيکمرغی اړولو په موخه د لاندې ټکو يادونه حتمي دی:

نړيوالې تجربې دا څرگندوي چې په لومړي گام کې په هره برخه کې چې طبيعي زيرمي راويستل کيږي نو د ټولو څخه وړاندې بايد د هماغه سيمې خلک د طبيعي زيرمو د راويستلو له گټو څخه برخمن شي ترڅو د بغاوتونو څخه مخه نيول شوي وي او که نه لکه د نايجريا هېواد د دلتا اوسيدونکي چې د کانونو د راويستلو په وړاندې يې وسله پورته کړه دا ځکه کوم خدمت چې دوی ته لازمه وه چې بايد د دولت له لوري شوی وای تر سره نشو. د يادونې وړ بولم چې د کانونو د راويستلو د شاوخوا برخو اوسيدونکو ته د لوړو خدمتونو وړاندې کول پدې معنی نده چې گواکې نا اهلوله پرمختياوې دې په هېواد کې منځ ته راشي کوم چې کورنی جگړې ته

زيرمي راباسي خو د دولت بودجې ته يوازې او يوازې ۳۷۰۰۰ امريکايي ډالره (او د يرش زره امريکايي ډالر) راننوي.

ډېر بد حالت دا چې که چېرې په يو هېواد کې د غټ قوم ترڅنگ نور داسې قومونه هم واوسي چې له سياسي پلوه حساب پرې وشي او هم هېواد د کورنيو او بهرنيو چلنجونو او ستونزو سره مخامخ وي. نو طبيعي زيرمي د يوه هېواد د ویشلو او کورنيو جنگ جگړو لامل هم گرځيدلی شي دا ځکه چې د دولت د جوړيدو يو بنسټيز رکن د طبيعي زيرمو شتون دی چې له بده مرغه زياتره ناکام دولتونه د دې ستونزې سره لاس او گريوان دي او هم وروسته پاتې هېوادونه لکه، پاکستان چې د بلوچستان په ايالت کې د همدې ستونزې سره مخامخ دی او داسې نور هېوادونه لکه: عراق، روانډا، بورنډي...

له بلې خوا افغانان د پورتنيو ټکو په يادولو سره نه ښايي د ناهيليو پټر خور کړي دا ځکه چې د ۲۰۰۱ ميلادي کال څخه راپدېخوا په افغانستان کې په بيلا بيلو برخو کې پرمختگونه شوي لکه: اقتصادي (تر يوه بريده ځوانانو ته کارموندنه، په کلني عايداتو کې د صنعتي او خدماتي برخو د سطحې لوړيدل، د باثباته افغانی منځ ته راتلل، تر يوه بريده بهرنی او کورنی پانگه اچونه، د ډېرو لويو سړکونو جوړيدل، د ريل پټلۍ له لارې گاونډيو هېوادونو سره د افغانستان د نښلولو کوښښونه، د کراچۍ بندر له لاري نورو هېوادونو ته د افغانستان د توليدي توکو انتقال او داسې نور) سياسي (د اساسي قانون جوړيدل، د اساسي قانون په بنسټ د دريگونو ځواکونو ویش، نړۍ سره ډيپلوماتيکو اړيکو ټينگول د سفارتونو او قونسل گريو له لارې د بيان تر يوه بريده ازادي او د ډېرو چاپي، انځوريزو او غږيزو رسنيو منځ ته راتلل، د جمهورۍ رياست، ولسي جرگې او ولايتي شوراگانو ټولټاکنې او داسې نور)، امنيتي او

هېوادونو له ډلې څخه په ډير ناوړه حالت دی د اور په لمبو کې راگير او بيا به يې د خلاصون ډير کم چانس وي او په پايله کې به يې نړۍ هم ارامه کېږي. ●

اخځونه

Anthony Clunies, David Florsyth, Mozammel Haq. Development Economics. McGraw Hill, 2009. Afghanistan, Ministry of Mines . The Largest Contract in History of Afghanistan is Signed. www.mom.gov.af. 2007. Collier, Paul. "In Afghanistan, a Threat of Plunder." Oxford University, 2010. Collier, Paul. The Bottom Billion. Oxford University, 2009. DesJardins, Joseph. Business Ethics. McGraw Hill, 2010. Michael W. Doyle, G. John Ikenberry. New Thinking in International Relations Theory. Westview, 1997. Planning Commission, Government of India. Development Report, 2010. Rourke, John T. International Politics on the World Stage. Eleventh Edition. McGraw Hill, 2007. School, Stanford Law. Law of Afghanistan. Afghanistan Legal Education Project, 2009. Transparency, International. Iraq, Afghanistan among " most corrupt" nations: Myanmar shared second place with Afghanistan and lawless Somalia was considered the world's most corrupt country. www.rawa.org. 2010. Wilson, Mike. Democracy: Opposing Viewpoints. McGraw Hill, 2006.

رشوت ورکولو په برخه کې کتنه وکړي. د بېلگې په توگه، که چيرې نړيوال د ناکامو دولتونو په راس کې په فساد ککړو ته د پيسو د ايښودلو خوندي ځای لکه بانک برابر نکړي نو دا په درغليو ککړې کړی پخپله تر يوه حده تر اغيزې لاندې راځي دا ځکه چې پخپل دولت کې دوي نه غواړي چې خپلې د رشوت او فساد څخه راغلې پيسې خوندي کړي او نه ورته ځای شته او هم به په نړيواله کچه دوي ته ځای نه وي. بلکې پرمخ تللي هېوادونه د خپل انسان خوښونکی احساس او ډيپلوماتيکو اړيکو له مخې افغاني صادراتو ته امتيازي صادراتي گمرکي تعرفه پکار يوسي ترڅو وشي کولای چې په بهرنیو هېوادونو کې خپل توليداتو ته څه نا څه بازار پيدا کړي.

د يادونی وړ ده، افغانستان د دې خاورينې کړی يوه برخه ده. د ليبرال د تيوری په بنسټ چې پرمختللي هېوادونه يې مخکښان دي، افغانستان په نړيوالو دا حق لري که چيرې د کانونو راويستلو په پايله کې جدي چلنجونه منځ ته راځي لکه، استبدادي حکومتونه او کورنی جگړې نو د دې تر څه نا څه د مخنيوی لپاره د نړيوالو ميثاقو په اساس نړيواله ټولنه خپل شتون په صادقانه توگه ضروري کړي ترڅو د دې چلنجونو مخه تر څه حده ډېر شي.

په پای کې افغان دولت ته لازمه ده چې د طبيعي زيرمو راويستل په يو مناسب وخت کې د ملي احساس او گټو د خونديتوب په موخه وکړي او هم نړيواله ټولنه د خپل انسان خوښونکی احساس او ډيپلوماتيکو اړيکو په بنسټ افغانانو سره پدې برخه کې مرستندويه واوسي ترڅو بدمرغيو ځپلي افغانان د پرمختگ او خوشيو د ښيگڼو څخه خوند واخلي او که داسې نشي نو خدای مکړه افغانستان به چې د سړاليون، کانگو، نایجریا، او داسې نور د نړۍ بد حالت لرونکو ۵۸

بهرنیو دولتونو ته رشوت ورکول د خپلو ملي گټو په معنی انگيزي.

دا بايد هم ووايو چې د نړيوالتوب دفاع کوونکی نه يوازې پدې ټينگار کوي چې د نړيوالتوب له غوره گټو څخه يو د ټکنالوژۍ او ظرفيتونو ليرد دی. د دې نظر په پام کې نيولو سره، هر هغه تړون چې د کانونو د راويستلو په برخه کې صورت مومي بايد دې ټکي ته زيات پام وشي يعنې هېوادوالو ته بايد د راويستلو د بهير په بنسټيزو برخو کې د کار زمينه برابره شي. له يوې خوا به هېوادوالو ته د کار زمينه برابره شوي وي او له بل پلوه به د ټکنالوژۍ ليرد او زده کړه شوي وي، بلکې دا هم اړين بولي چې آزاده سوداگری منځ ته راشي يعنې په دواړو صادراتو او وارداتو باندې د جيگې مالي لگولو څخه ډډه وشي ترڅو د ډچ ډيزيز مخه ډېر شي، په ورته وخت کې به تر ډيره بريده د گمرکي فساد څخه مخه نيول شوي وي او هم به سوداگری وده کړي وي.

ضروري بولو هغه څه چې د يو ډيموکرات دولت او د ښې دولت دارۍ ځانگړی مسؤليتونه بيلوی په ملي ايډيالوژۍ تر سره شي لکه هغه پيسې چې دولت ته د کانونو د راويستلو په پايله کې لاس ته راځي په شفافه توگه هېوادوالو ته وويل شي، د دې پيسو د کمښت بشپړ معلومات هېوادوالو سره شريک شي او پدې برخه کې داسې قوانين رامنځته شي چې د فساد مخنيوی و کولای شي چې يوه د ډيرو لارو څخه د قوانينو ساده والی دی. داسې بايد وي لکه د زمبيا هېواد کوم چې د کال درې بيليونو ډالرو په ارزښت طبيعي زيرمې راباسی خو زمينانو ته يوازې سل ميلیونه ډالر په لاس ورځي.

د دې ټولو ترڅنگ، نړيوال هم پخپله برخه کې مسؤليتونه لري. پرمخ تللي هېوادونه نه يوازې دا چې بايد پخپلو بانکي قوانينو او بهرنیو دولتونو ته د دوي د کمپنيو لخوا د



فقر چیست؟



تعلیم و تربیه، تهیه مسکن نامناسب و فقدان مشارکت در فرآیند های تصمیم گیری همچنان فقر را چنین هم تعریف می کنند: شرایطی که در آن افراد ضروریات اساسی زندگی را ندارند و برای خرید آنها دچار کمبود درآمد هستند. فقر معمولاً به دو صورت در نظر گرفته میشود، فقیر مطلق که افراد برای زنده ماندن با مرگ دست و پنجه نرم میکنند و فقر نسبی که فرد نسبت به سطح زندگی در جامعه فقیر است سطح فقر در جامعه را میتوان با استفاده در هزینه خانوار، سطح درآمد و سایر اجناس مورد نیاز... اندازه گیری کرد. بهر صورت از اینجا می توان ادعا کرد که فقر یک پدیده یی چند بعدی است که با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و موقعیت



معمولاً به عنوان تعریفی ارایه می شود، تعریف کلی خواهد بود، رایج ترین تعریف که از فقر می شود، این است که افراد مبتلا به فقر قادر به اداره یک سطح قابل قبول و مناسب زندگی نیستند. میتوان بالای تعریف فوق مکث نمود که سطح قابل قبول و مناسب زندگی، کدام زندگی است؟ سطح زندگی بسته به نظام های ارزشی، اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی و هم چنین موقعیت زمان و مکانی دارای تفاهم گوناگون و متفاوت خواهد بود.

اقتصاددانان چنین خلاصه می کنند که فقر به معنی کافی نبودن تغذیه، مرگ و میر نوزادان، امید به زندگی پائین، فرصت های شخصی ناچیز، آب آشامیدنی سالم غیر کافی، صحت و درمان،

از دیر زمان زمینه های پیدایش فقر یکی از موضوعات مورد مطالعه مورخان، فیلسوفان، جامعه شناسان و اقتصاد دانان و راه های مقابله به آن بوده است. درین زمینه اقتصاد دانان تلاش های گسترده یی انجام داده اند تا با ارایه طرح های عملی و کار بردی مشکل فقر را از میان بردارند، اندازه گیری و تعیین خط فقر و ایجاد سیستم های حمایتی برای حمایت از افراد زیر خط فقر، از آخرین تلاش های انجام شده محسوب می گردد.

اگر اندک نگاهی به تحقیقات و نوشته هایی که تا کنون در باره فقر صورت گرفته است، بیاندازیم بی درنگ در می یابیم که توافق تمام روی تعریفی مشخص از فقر وجود ندارد، آنچه که

زمانی و مکانی هر کشور در رضایت مندی نیاز و کمبود دستیابی به منابع، تحصیلات، مهارت، سلامتی، تغذیه، پناهگاه و امکانات صحت است که آسیب پذیری اجتماعی، خشونت و کمبود آزادی را در پی دارد.

در این جا از خانوار بگویم که خانواده ها، افراد مجرد مستقل و افرادی که بدون وابستگی زیر یک سقف زندگی می کنند تحت عنوان خانوار طبقه بندی میشوند و جز مصرف کنندگان خصوصی محسوب می گردند در کشور ما خانوار ها به دو گروه خانوار های روستایی و خانوار های شهری تقسیم بندی شده اند و لازم است در مورد هزینه هم چیزی بدانیم:

هزینه: مقدار پولی است که باید از دست داد تا بتوان چیزی دیگری را بدست آورد و یا تولید کرد. به هر صورت اگر در رابطه به خط فقر بگویم: کسانی را میتوان در زیر خط فقر تعریف کرد که قادر به فراهم نمودن نیاز های مادی اساسی خود خصوصاً اولین نیاز که سلامت جسم و تغذیه مناسب است نباشند. بنا برین **خط فقر** عبارت است از میزان درآمدی که شخص میتواند به وسیله آن نیاز های اساسی مادی خود را تأمین نماید و با این میزان در آمد فقیر گفته نشود و افرادی که از نظر درآمد پائین تر از آن قرار بگیرند. فقیر و آنده افرادی که از نظر در آمد بالاتر از آن قرار داشته باشد فقیر محسوب نمی شوند. از آنجائیکه نیاز های اساسی مادی وابسته به تنوع زمان، مکان و جوامع متفاوت است، خط فقر هم در هر کشور متفاوت می باشد و مربوط به میزان توسعه و ارزش های اجتماعی آن جامعه خواهد بود. درآمد را چنین تعریف کرده اند: منافع مادی است که بر اثر به کار انداختن ثروت یا از خدمات یک انسان آزاد به دست می آید و در اصطلاح حسابداری به معنی دخل و دریافت میباشد.

علما در رابطه به تاریخچه فقر گفته اند که: گر چه از زمان های گذشته موضوع فقر یکی از موضوعات مورد نظر و مطالعه دانشمندان بوده اما بطور جدی، علمی و کار بردی مطالعات فقر از اواخر قرن ۱۹ آغاز شد اگر چه توزیع درآمد رابطه مستقیمی با فقر ندارد اما میتوان به عنوان یکی از

عوامل فقر در جامعه تلقی شود زیرا اگر در جامعه بی، ثروت و در آمد بطور عادلانه توزیع شود موجب ثروتمند شدن عده بی و فقیر شدن تعداد دیگری می شود. البته تحقیقات راجع به فقر شناسی در سطح جهان بستگی به وجود اطلاعات در مورد نحوه توزیع و معیار سطح زندگی در هر کشور دارد که درین جهت بانک جهانی و سازمان بین المللی کار، اقدامات ارزنده بی را انجام داده اند و در خصوص برخی از کشور ها با سطح درآمد پائین، مانند کشور های آسیایی تحقیقات گسترده بی راجع به وضعیت فقر انجام یافته، فاصله بین خطوط بالایی و پائینی فقر به گونه تعیین شده است که خطوط فقر تا حد امکان بیشتر تعداد کشور هایی را که با درآمد پائین است دربر می گیرد. با تأسف در افغانستان هیچ وقت مطالعه جدی و کار بردی روی مساله فقر و تعیین خط فقر صورت نگرفته است، زیرا در کشور ما به دلیل منازعات سیاسی مداوم، آمار دقیق بدست نیست. تنها آمار های موجود، مربوط سازمانهای بین المللی مانند: سازمان ملل متحد، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و می باشد. اولین قدم در مطالعه فقر و تعیین خط فقر، معرفی شاخص یا معیار سنجش فقر است، شاخص فقر می تواند صورت های مختلفی داشته باشد. اولین مورد روشی است که بوسیله یک تعداد از اقتصاد دانان پیشنهاد شده بود آنها به نیاز های بیولوژیکی و ضروریات حیاتی اشاره می کنند که اگر به طور نا برابر بین افراد توزیع شود، بعضی را زیر خط فقر قرار خواهد داد. اگر خانواده بی غذای کافی برای خوردن، سرپناه لازم و پوشاک مناسب نداشته باشد فقر تلقی میشود. این روش در سالهای اخیر برای کشور های در حال رشد تحت عنوان نیاز های اولیه مطرح شده است. مطالعاتی که بعد از جنگ جهانی دوم در زمینه فقر در انگلستان صورت گرفت عمداً متکی به آمار بودجه خانوار از روش هائیکه قبلاً ذکر شد برای تعیین فقر استفاده نمودند. زیرا بدست آوردن آمار واقعی میزان هزینه زندگی شان را بیش از میزان درآمد بیان می کند. اندازه گیری فقر در افغانستان به علت فقدان اطلاعات بسیار مشکل است اما می

توان با استفاده از اطلاعات تخمینی ترسیمی از فقر را نشان داد و از آنجا به تخمین خط فقر پرداخت که از چند اطلاع گوناگون و تطبیق آن میتوان قضاوت نمود که وضعیت فقر در افغانستان چگونه است. در اثر جنگ های سه دهه اخیر چرخ اقتصادی افغانستان نا متوازن گردیده و فقر همگانی را بوجود آورده و میزان بیکاری وسیع هم دامن گیر کشور شده است. در حالیکه بنابر گزارش بانک جهانی درآمد سرانه افغانها ۳۷۰ دلار امریکایی میباشد. با آنهم بعد از سال ۲۰۰۲ دولت در جهت فقر زدایی و رشد اقتصادی گام های مثبتی برداشته است و مبارزه علیه فقر به یکی از اهداف استراتژیکی مبدل شده است، جای شک نیست که در اثر رشد اقتصادی ما میتوانیم فقر را از میان برداریم و یا کاهش دهیم در این راستا سکتور بانکداری در کشور پیشقدم بوده و خدمات ارزنده بی را انجام داده است. برای هزاران تن شغل مستقیم و یا غیر مستقیم ایجاد نموده و میلیون ها هموطن ما را با ارائه قرضه های مختلف یاری رسانیده و در جهت توسعه کسب و کار شان کمک همه جانبه نموده است. همچنان دول پیشرفته جهان از طریق تقویت سکتور خصوصی و نظارت کامل در عرصه فقر زدایی کشور ما را کمک همه جانبه نموده و در این راستا موفقیت های مهمی بدست آمده است، باید گفت افغانستان برای کاهش فقر روی تقویت بخشیدن شاخص های عمده بی که مشتمل بر آغاز فعالیت های وسیع تجارتي، تقویه همه جانبه سکتور خصوصی، حمایت از سرمایه گذاری در بخش های مختلف بویژه (سکتور بانکداری، تکنالوژی معلوماتی، تعلیم و تربیه، معادن و انرژی)، کسب شمولیت در سازمان های اقتصادی بین المللی و منطقوی، تجارت در امتداد مرزها، نموده است این شاخص ها دستیابی به یک درجه عالی مبارزه علیه فقر را در پی خواهد داشت، یقیناً از همین طریق در قسمت فقر زدایی و از بین بردن بیکاری به موفقیت نایل خواهیم شد. ●

عبداللطیف بایانی

سوداگري او ترانزيت د يو هېواد اقتصاد لا پياوړی کوي

راوړلي هېواد کې د انساني پانگې د شتون سره تړون لري، که چېرې په يوه هېواد کې انساني پانگه زياته وي د اقتصادي ودې او اقتصادي پرمختګ د زياتوالي لامل ګرځي. زموږ گران هېواد افغانستان چې د تاريخ په اوږدو کې د ډيرو سياسي، اقتصادي، ټولنيزو او داسې نورو ستونزو سره مخ وو او مخ دی او د اقتصاد له پلوه هم يو نيمګړی يا نيمه پرمختللی هېواد دی، نو له همدې امله په ډيره لوړه کچه نړيوالو اقتصادي اړيکو ته اړتيا لري، ځکه چې د دې ډول ستونزو دوام د پرمختګ د مخنيوی د اقتصادي نه ودې سبب ګرځي. ځنګه چې افغانستان يو کرنيز هېواد دی، خو د ډيرو زېرمو خاوند هم دی، له دې زېرمو څخه په اغېزناکه توګه کار اخيستل کولای شي چې د اقتصادي ودې لپاره يوه ښه زمينه برابره کړي. خو د زېرمو څخه د کار اخيستې لپاره د اقتصادي شرايطو د لوړېدو او د اقتصاد او سوداګرۍ پرمختګ ته د رسېدو لارې په اغېزمنه توګه محدودې دي، چې دا محدوديتونه کولای شو د پرمختل نويشتو او نويو مهارتونو له لارې څخه له منځه يوسو او د خپل هېواد اقتصاد د ودې او پرمختګ په لورې رهبري کړو. چې دا ټول نوښتونه مستقيم اړيکو ته اړتيا لري او د نړيوالو اړيکو له لارې کولای شي منځ ته راشي.

اقتصادي وده او اقتصادي پرمختګ د هر هېواد او يا د اقتصادي نظام له اصلي او اساسي هدفونو څخه شمېرل کيږي. چې د دې هدفونو د لاسته راوړلو لپاره د نړۍ هېوادونه په جدي توګه سوداګرۍ او اقتصادي اړيکو ته اړتيا لري. که چېرې وګورو اکثره نيمه پرمختللي هېوادونه له ځينو ستونزو سره مخ دي، لکه د سړي سرعايد و ټيټ والی، د اقتصادي ودې ټيټ والی او داسې نور...

د دې ډول ستونزو د لمنځه وړلو لپاره دا هېوادونه چېکې اقتصادي ودې او اقتصادي پرمختګ ته اړمن دي.

د اقتصادي پرمختګ د لاسته راوړلو لپاره بيلابيلې لارې شته له دې لارو څخه يوه ډيره اغېزناکه او له بری ډکه لاره بهرنی سوداګري او نړيوالو بازارونو ته د کورني توليد وړاندې کول دي.

بهرنی سوداګري د يوه هېواد د اقتصادي ودې او پرمختګ په برخه کې ډير پراخه رول لوبوي، دا په دې معنی چې مثبت سوداګري په يو هېواد کې د اقتصادي پرمختګ او زرغونتيا لامل ګرځي او د بهرنی سوداګرۍ پرمخ د اقتصاد پرانېستل خصوصاً د توليدي رقابتونو(سياليو) د منځ ته راوړلو او د توليدي بنسټونو د توليد د زياتوالي په برخه کې يو اغېزناکه ګام دی.

سربيره په دې، بهرنی سوداګري د نويو مهارتونو او پرمختللي (تکنالوژۍ) د استولو لپاره يو اصلي کانال دی. چې د استول شويو مهارتونو او پرمختللي تکنالوژۍ منل او د هغه څخه کار اخيستل په لاسته

خو له نېکه مرغه، د طالبانو د حکومت له ړنګېدو وروسته د افغانستان اقتصاد يوه اندازه د ودې په لور روان دی او هم د يادونې وړ ده چې د افغانستان او پاکستان ترمنځ د سوداګرۍ او ترانزيت تړون يو د خوشحالي زيری دی، دا تړون کولای شي چې د دواړو هېوادونو د صادراتو او وارداتو د ډېرو اسانتياوو د برابرولو په برخه کې د يادونې وړ رول ولوبوي، ځکه چې دا تړون د سوداګرۍ د پراختيا، د اقتصادي پرمختګ او د نړيوالې سوداګرۍ د اړيکو د لا ټينګښت په برخه کې يو مهم عامل شمېرل کيږي. **ولی الله روحی توره خیل**

ویژگی های اقتصاد جدید



محمد اسرار پویا سرپرست نمایندگی کابل بانک شهرک تورغندی

در اثر پیشرفت تکنولوژی، توسعه و تکثیر یافته اند، آن چنان تأثیر ژرفی در زندگی ما گذاشته اند که واژه شبکه به محوری تبدیل شده که تفکر و اقتصاد ما حول آن سازمان می یابد. قرن اتم گذشته است نماد قرن بیست و یکم، شبکه گسترده جهانی (انترنت) است. کار اقتصاد جدید ارتباطات است؛ ارتباطاتی عمیق و گسترده که تمامی دگرگونی های حاضر و آینده به مسیر بنیادین و شیوه خاص و اساسی ای که ما ارتباطات را متحول و دگرگون می سازیم، بستگی دارد. ارتباطات، بنیاد



پیرامون ویژگی های اقتصاد جدید اقتصادی فرصت کافی را مینماید، در اینجا کوشیده شده است بصورت مختصر در این زمینه نکاتی تحریر گردد. گذار اقتصاد جهانی از اقتصاد سخت افزار به اقتصاد نرم افزار و وجود ارتباطات رو به رشد، کامپیوترها و... همه نشانه های ورود ما به فضای اقتصاد جدیدی است و این اقتصاد جدید دارای سه ویژگی خاص است که عبارتند از:

- جهانی و همه گیر
- شامل چیزهای نرم، غیر ملموس و پیچیده نظیر اندیشه ها و آرا
- اطلاعات و روابط و به نحو خاص مرتبط و به هم پیوسته
- سه ویژگی فوق نوع جدیدی از بازار و جامعه را به وجود می آورد؛ نوعی بازار و جامعه ای که در شبکه های الکترونیکی جامع، همه گیر و همه جانبه ریشه دارد.
- شبکه ها، تقریباً در هر اقتصادی وجود داشته است اما شبکه های امروزی که

امروز همانگونه که ابعاد علم اقتصاد گسترده میشود و تحت شاخه های جدید در چوکات این علم تبارز مینماید، همان گونه مسایل تجارتي و اقتصادی که در چار چوب علم اقتصاد مورد بررسی و کنکاش قرار میگیرند، دچار تحول سرسام آوری میباشند. این تحولات شگفت انگیز در ابعاد اقتصادی جهان و عرضه فرآورده های جدید اعم از کالا و خدمات، خرید اینترنتی کالا و خدمات ظهور قدرت های جدید اقتصادی (چین، کوریا، هند و...) در بستر اقتصاد بین المللی و مانند اینها از عواملی اند که اقتصاد را به یک تحول جهانی مواجه ساختند و یا به تعبیر دیگر میتوان گفت که عوامل فوق الذکر زمینه ساز یک اقتصاد جدید میباشند.

با توجه به عنوان (ویژگی های اقتصاد جدید) که در نظر گرفته شده است، هدف از این نوشته معرفی ویژگی های عمده اقتصاد جدید میباشد. بحث

زمینه تجارت و داد ستد را به شکل مدرن آن برای تمام بشریت در کره زمین مهیا کرده است.

اقتصاد جدید زمینه بهره وری بیشتر، صرفه جویی در مصارف و سرمایه گذاری در بازارهای بورس جهانی را برای تجار و معامله داران بیشتر مهیا کرده است.

با وصف همه ویژگی های بارز و شایسته ای که در اقتصاد جدید مشهود است، نباید خطرات و تهدیدهایی که با ظهور اقتصاد جدید، اقتصاد جهانی را تهدید میکند به دیده اغماض نگریست از جمله میتوان به دزدان (حک گران) انترنتی و تمویل تروریزم جهانی از طریق شبکه بانکی نام برد.

اشتراک دارند. تهاتر که یکی از بدوی ترین اشکال بازرگانی است، از میان نرفته است، هنوز دردهات و قصابات دور افتاده کشور ما افغانستان معاملات تهاتری به وفور دیده میشود. اقتصاد تهاتری در تمام طول عمر زراعتی و عصر صنعتی جاری بوده و امروزه هم رواج دارد.

واژه اقتصاد شبکه ای، فرصت ها را در مقیاسی که هرگز روی زمین دیده نشده، ایجاد و آزاد خواهد کرد. حجم اطلاعاتی که امروز به شکل نرم (سافت کاپی) در کمپیوترهای بزرگ نگهداری میگردد، نگهداری آن به شکل سخت (هارد کاپی) امکان پذیر نیست، اقتصاد شبکه ای مرحله منحصر به فرد از توسعه اقتصادی است که

اجتماع، فرهنگ، انسانیت و هویت فردی ما و تمامی نظام های اقتصادی است به همین دلیل است که شبکه ها این قدر اهمیت دارد. ارتباطات آن قدر به فرهنگ و خود جامعه نزدیک است که تبعات تکنولوژیکی و آثار فن آوری آن فراتر از چرخه بخش های صرفاً صنعتی است. ارتباطات و ابزار وابسته آن کامپیوتر در تاریخ اقتصادی، موردی ویژه است نه به آن دلیل که بخش کاری و تجاری پیشتاز و مدرن زمان است، بلکه به آن سبب که تأثیرات فرهنگی، تکنولوژیکی و مفهومی آن، در عمق حیات ما رخنه کرده است. اقتصاد جدید با موجودیت ها، نهادها و سبک های همچون اطلاعات، روابط و ارتباطات، حق طبع و نشر، سرگرمی، امنیت و نظایر آن سر و کار خواهد داشت، هجوم سیل آسای اطلاعات گسترش بانکهای معلوماتی از عمده ترین ارمغان اقتصاد جدید میباشد. اقتصاد کشورهای پیشرفته در حال کم کردن از حجم و وزن خود و تغییر جهت به سمت دنیای نرم افزار است.

اقتصاد جدید با وجود تفاوت هایش با اقتصاد قدیمی، تنها در یک جنبه هنوز



د مضاربت پېژندنه

عطاء الله ننگ د مالي خطراتو آمريت غړی

کې د حساب کتاب لپاره. او همدا رنگه الله تعالی (ج) په بل ځای کې فرمایلي دي (واخرون يضربون فی الارض یتغون من فضل الله) او وي به نور له تاسې څخه چې سفر او منزل به کوي دوي په ځمکه کې لټوي به دوی له فضله رزق د الله.

نبوي حدیث: دغه راز په حدیث شریف کې راځي چې رسول الله (ص) فرمایي عن صالح بن صهيب عن ابيه، قال قال رسول الله (ص) ثلاث فيهن البركة البيع الى اجل ولمقارضة واخلاق البر بالشعير للبيت لا لبيع.

صالح بن صهيب (رض) له خپل پلار څخه روایت کړیدی چې ویلي یې دي رسول الله (ص) درې شیان چې په کې زیات برکت او ثواب دی یو په پور مال پلورل تر ټاکلي مودې پورې دویم مضاربت کول او دریم د غنمو او وربشو



سمه د دواړو شریکه وي چې په معاهده او تړون کې سره لیکلي وي مطلب دا چې په مضاربت کې د یو شریک روپی وي او د بل کارکول وي او بیا کومه گټه چې له دغه کاروبار څخه ترلاسه کړي د دواړو ترمنځ شریکه وي. د مشروعیت دلیلونه:

د مضاربت مشروعیت او جواز په قرانکریم او نبوي احادیثو سره ثابت دی الله تعالی (ج) په قرانکریم کې فرمایلي دي هوالذی جعل لکم الارض ذلولا فامشوا فی مناكبها وکلو من رزقه والیه النشور.

یعنې الله (ج) هغه ذات دی چې څرځولې یې ده ځمکه تابعداره تاسې لره نو څرځی تاسې په اوږو، اطرافو، لارو، د دې ځمکې او خورۍ تاسې له حلال رزق له دغه الله تعالی او خاص دغه الله تعالی ته بیا را ژوندي کیدل دي ستاسو یعنې په قیامت

د اسلامي بانکدارۍ د غوره اصولونو څخه یو هم مضاربت دی چې دلته یې په لنډه ډول یادونه کوو.

فقهاوو ویلي دي چې د مضاربت درېواړه نومونه سم او کارول شوی دي، قراض اهل حجاز ورته وایي چې له قرض څخه اخستل شوی دی او د قراض لغوي معنی غوڅول او پریکول ده او د سوداګرۍ دغه ډول ته ځکه قراض وایي چې دولت منډ د خپل دولت یوه برخه سوداګرۍ لپاره ورڅخه غوڅوي او کارکونکي ته یې ورکوي او یا له مقاوضه څخه مشتق دی چې د برابری او مساوات په معنی دی او دغه ډول سوداګرۍ ته ځکه قراض وایي چې گټه یې د کارکونکي او د پیسو د مالک ترمنځ برابره تقسیمولی شي او مضاربت اهل عراق هم ورته وایي چې له ضرب څخه اخستل شوی دی چې د وهلو په معنی ده او که صیغه یې ورسره ذکر کړی شي د تللو او په ځمکه د ګرزیدلو په معنی ده او دریمه معنی یې د روزي د ګټلو په تکل په ځمکه کې د ګرزیدو او هلوڅلو په معنی دی.

د مضاربت اصطلاحی تعریف فقهاوو داسې کړیدی

المضاربة: هي ان يدفع المالك الى العامل مالا ليتجر فيه ويكون ربح مشتركا بينهما بحسب ماشرطا (۲) یعنې مضاربت دا دی چې د پیسو څښتن کارکونکي ته د دې لپاره پیسې ورکړي چې سوداګري پرې وکړي او گټه یې د هغه د شرطونو سره



گډول دي د کور لپاره نه د سوداگرۍ لپاره.

د مضاربت ډولونه:

مضاربت په دوه ډوله دی یو مطلق مضاربت دی او دویم ډول مقید مضاربت دی.

مطلق مضاربت دا دی چې یو شخص بل ته پیسې ورکړي او ورته ووايي چې تجارت پرې کوه ځکه به د دواړو شریکه وي او بیا د مضارب د گټې ونلږه ورته معلومه کړي چې نیمايي ده یا دریمه او یا څلورمه او هغه یې ورسره قبوله کړي.

مقید مضاربت: دویم ډول مقید مضاربت دې چې مقید مضاربت دا دی چې یو شخص بل ته روپۍ یا پیسې ورکړي چې مضاربت پرې وکړه خو په دې شرط چې د تجارت کولو ځای یا د ټاکلي جنس یا ټاکلي نېټې او یا ټاکلي شخص څخه قید پري ولگوي، د بیلگې په توگه ورته ووايي زه یو لک روپۍ د کاروبار لپاره په مضاربت درکوم خو یوازې په ننگرهار کې به پرې کاروبار کوې یا یوازې په اوږي کې به کاروبار پرې کوې یا صرف له فلاني شخص څخه به مال پیري.

د مضاربت دغه دواړه ډولونه شرعاً روا دي مطلق وي او که مقید خو پدې شرط چې روپۍ به نغدې ورکوي.

مضاربت د سموالي شرطونه

د مضاربت د سموالي لپاره لاندې شرطونه بیان کړي شوي دي لومړی شرط یې دا دی چې د مضاربت په عاقدینو یعنې د روپو په خاوند او په مضارب کې د توکیل او وکالت اهلیت موجود وي،

دواړه به عاقل بالغ او خپل واک وي ځکه چې مضارب د رب المال په اجازه د هغه په روپو تصرف کوي.

دویم شرط یې دا دی چې د مضاربت راس المال به د وخت دودیزې نقدې روپۍ وي لکه افغانۍ، دینار، درهم او داسې نور، ځکه چې په عروض یعنې توکي د مشهورو فقهاوو په نزد جایز ندي ځکه چې په سامان کې د دوکې احتمال وي او هم د گټې جهالت.

دریم شرط یې دا دی چې د مضاربت راس المال به د مضاربت د تړون په وخت کې لاس په لاس او موجود وي په پور به نه وي او نه په غایب مال مضاربت صحیح کیږي لکه چې یو شخص بل ته ووايي زما پر تا باندې چې کومې روپۍ پور دي پر هغو باندې مضاربت وکړه.

څلورم شرط یې دا دی چې راس المال به مضارب ته تسلیموي ځکه چې که راس المال د روپو د مالک په قبضه کې وي د مضاربت تړون فاسدېږي.

پنځم شرط یې دا دی چې د دواړو ترمنځ به د گټې مقدار معلوم یعنې نیمايي به وي ځکه چې شراکت د دواړو ترمنځ مساوات غواړي.

شپږم شرط یې دا دی چې گټه به په ټول مال کې خپره وي د مال په کومې برخې پورې به محدوده نه وي ځکه چې د عاقدینو د یو شخص د گټې په ټاکلو سره مضاربت فاسدېږي لکه چې یو شریک یې ووايي چې زما به په سلو کې اوومه حصه وي. او داسې نور...

د مضاربت حکمونه

د مضاربت غوره حکمونه په لاندې ډول

دي:

لومړی مضاربت د متعین او ټاکل شوي مبلغ پر بنسټ کیږي په کوم نا معلوم مال او جایداد باندې نه کیږي او په داسې قرض باندې هم نه کیږي چې هغه تر اوسه پورې د مضاربې تر پیل پورې نه وي وصول شوی.

دویم مضاربت عام او خاص کیدلای شي عام پدې معنی چې کمپنۍ په هر کار کې چې مناسب یې وگڼي پانگه لگولی شي خو په خاص مضاربت کې کمپنۍ یوازې په هغه کاروبار کې پانگه لگولای شي چې پانگه لگونکي ورته اجازه ورکړې وي په خاص مضاربت کې د ځای ډول او داسې نور شرطونه هم لگیدلای شي.

دریم کومې پیسې چې په امانت ډول د چا سره وي د مالک په اجازه سره یې په مضاربت کې لگولی شي.

پانگه په عملي ډول کمپنۍ یا مضارب ته حواله کول اړین دي کچیرې پانگه له مالک سره پاتې شي مضاربت صحیح ندي.

د گټې نسبت باید له مخکې څخه وټاکل شي یعنې دا څرگنده شي چې کمپنۍ او پانگې ورکونکي ته به د گټې خومره برخه ورکول کیږي. هر هغه شرط منسوخ دی چې د هغه پر بنسټ د تاوان ګالل په کمپنۍ یعنې مضارب پورې وتړي که مضاربه کمپنۍ یعنې مضارب داسې کاروبار وکړي د کوم چې اجازه نه وي ورکول شوې پدې صورت کې مسولیت د مضاربې کمپنۍ په غاړه دی. مضاربه کمپنۍ خپل د اړتیا وړ لگښتونه د مضاربت د عاید څخه اخیستی شي د دغه



اړتيا وړ لگښتونو اندازه د بازار د رواج او زمانې د عرف په بناء کيدی شي.

مضارب حق لري چې د مضاربت سوداگريز مال د راس المال د څښتن د اجازې پرته په پور ورکړي خو ليک به ورڅخه اخلي او که ليک يې وانه خيست او مال تلف شو او يا پور وړي منکر يا وفات شو د تاوان ضامن مضارب دی.

که چيرې د مضاربت په دوران کې مالونه د سماوي افت يا غصب يا غلا له امله ضايع يا کشتي ډوبه شي نو که ځينې مال ابته شي نو د گټې څخه به يې چاره کيږي.

د مضاربت ټول شرطونه په تړون کې ذکر کول ضروري دي خو په راتلونکي کې د دواړو ترمنځ اختلافونه پيدا نشي.

خو که د تړون د ليک څخه پرته د دواړو لپاره کوم بل د باور وړ حالت وي نو هم صحيح کيږي.

که چيرې د مضاربت په دوران کې د مال څښتن يا مضارب وفات شي د مضاربت تړون پای ته رسيږي او د وفات له نېټې سره سم کاروبار موقوف او معاهده ختمه گڼل کيږي ځکه د متوفي ټوله تره که وارثانو ته شرعاً ليگديږي.

د شراکت او مضاربت ترمنځ توپير دا د سود دوه متبادلي شرعي لارې دي چې له سود نه څو چنده بڼې پايې لري او دواړه د پانگې ډيرې بڼې عادلانه او د انصافه ډکې لارې دي او د پانگو پر ویش بڼه گټوره اغيزه لري چې له پلي کيدو سره يې د بانک هغه مخکينۍ څېره له منځه ځي په کوم کې به چې بانک له کاروباره ډير لرې پاتې ؤ او يوازې به يې

په پانگه اچونه کې مرسته کوله د شراکت او مضاربت د نظام د منځته راتلو وروسته د بانک نوم يا خو پخوانی حيثيت يې بدلون مومي او پر ځای به يې بانک اوس په ځانگړي ډول په کاروبار کې مخامخ برخه اخلي د شراکت او مضاربت ترمنځ توپير دا دی چې په شراکت کې ټول گډون کوونکي په پانگه او کار دواړو کې برخه اخلي او که يو گډونکوکی يې په کار کې گډون نه کوي دا بيا بيله خبره ده په مضاربت کې پيسې د يو سړي يعنې رب المال وي او بل سړی مضارب وي چې پيسې په کار اچوي او رب المال د پيسو څښتن به خپله په کار کې برخه نه اخلي.

د شرکت او مضاربت د پلي کولو په لاره کې ځينې خنډونه د شرکت او مضاربت د پلي کولو په لاره کې زياتره دوه ډوله ستونزې شته:

لومړی: دا چې نن سبا په خلکو کې د ديارت او امانت کچه ډيره راښکته شوې داسې چې کله يو چا ته د شرکت لپاره پانگه ورکړل شي هغه کله نا کله رښتونې گټه پټوي او پر ځای يې زيان ښکاره کوي. ځکه خو په شراکت او مضاربت باندې عمل کول نن سبا ستونزمن بريښي خو دا ستونزه هغه وخت له منځه ځي چې په ټولنه کې د ديارت حالت پرمختگ وکړي او د څارنې ځينې لارې چارې پرمخ ويوړل شي د بيلگې په ډول د ايدې نظام، د اکونټ نظام، د مرکزي بانک څارنه او داسې نور کارونه په شرکت او مضاربت کې هم کيدلی شي.

او په همدې ډول کله چې د کومې ادارې يا شخص نه يو ځل بد ديانتې او غدر

څرگند شي نو داسې هم کيدی شي چې په ټولو بانکونو کې يې حساب ختم يا بليک لسټ کړی شي. معنی به يې دا وي چې دا ډول سړی به په راتلونکي کې له هيڅ بانک نه پانگه نشي ترلاسه کولې او که چيرې دغه قانون په کلکه عملي کړی شي نو خلک به بيا د بد ديانتې له کولو په ويره کې وي او تر ډيره حده به د دغه فساد دروازه بنده شي د دې پرته نورې ډيرې قانوني لارې هم شته که چيرې بانک دا ډول کارونه په يوازې سره کوي رښتيا هم هغه ته ستونزې پيدا کيدای شي خو که چيرته دا کار د حکومت او مرکزي بانک په کچه وشي او په ټولو بانکونو کې دغه نظام پلي کړی نو د بد ديانتې دروازه به بنده شي.

دويمه ستونزه: د Income tax نظام څخه د خلاصون لپاره منځه ته راځي او هغه دا چې زياتره سوداگر دوه ډوله حسابونه لري يو حساب يې د انکم ټيکس ادارې ته ورښايي او دويم رښتونی حساب چې هغه جلا وي که چيرته د مشارکې او مضاربت په صورت کې رښتونې گټه وخوډل شي نو د گټې رښتونی ویش هم نشي کيدلی د دې ستونزې هوارۍ داسې کيدلی شي چې کله په حکومتي سطحه پدې خبره غور او فکر پيل شي نو طبعي ده چې مشارکې او مضاربت د نظامونو د بريالو کولو لپاره د ټيکس په نظام کې د ځينې اصلاحاتو راوستل به هم ضروري وي.

ماخذ: کتاب مختصر القدوری کتاب البیوع
شیخ ابوعلی المودودی اسلامی بانکداری
مولوی محمد شریف رحمانی د اسلام
اقتصادی نظام

فرق بين اقتصاد مالی دولت و اقتصاد مالی خصوصی

Difference between Public Finance and Private Sector Finance

منظور تأمین رفاه اجتماعی است.

فرق از نظر وظایف:

فرقی که از نظر انجام دادن وظایف بین اقتصاد مالی دولت و اقتصاد مالی خصوصی وجود دارد عبارت ازین است که اقتصاد مالی خصوصی بصورت عموم هدف خود را روی وظایف محدود تثبیت خود متمرکز میسازد. بدون در نظر داشت تأثیرات اقتصادی و اجتماعی آن. یا به عبارت دیگر اقتصاد خصوصی مالی در انجام دادن وظایف خویش تنها منافع شخصی خود را در نظر میگیرد و چنین فعالیت های اقتصادی را روی کار گرفته و انجام میدهد که هدف مشخص تعیین شده خود آنها، برآورده گردد ولو که فعالیت های شان به ضرر افراد، اجتماع و اقتصاد ملی تمام شود.

به هر اندازه که یک جامعه عقب مانده تر باشد به همان اندازه این نوع ذهنیت تشبثی

تحقق بخشیدن اهداف خصوصی و فردی بنا یافته و پلانگذاری می شود و از طرف خود شان طرح و تطبیق میگردد، در حالیکه پلان های اقتصاد مالی دولت از نگاه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی طرح گردیده و هدف آن تأمین منافع اجتماعی میباشد.

فرق از نظر حصول نفع:

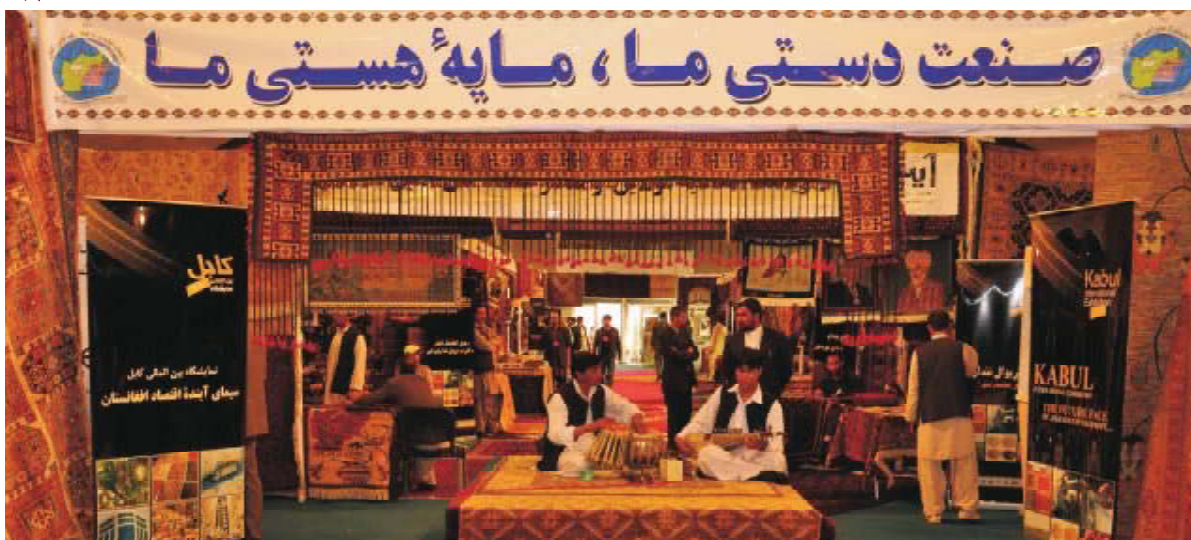
هدف اساسی و اولی اقتصاد مالی خصوصی در انجام هر نوع فعالیت اقتصادی عبارت از کسب فایده است در حالیکه هدف اساسی اقتصاد مالی دولت حصول منافع نبوده بلکه تأمین رفاه اجتماعی است. فعالیت تصدی های تکافو کننده مصارف تمام شد و بخصوص تصدی های تعاونی که حتی اشیا و خدمات را به قیمت های پایین تر از مصارف تمام شد عرضه مینماید و تأسیسات عام المنفعه دولتی که بصورت رایگان به معرض استفاده مردم قرار داده می شود همه به

در کنار اقتصاد مالی دولت که مربوط به عواید و مصارف حکومت میباشد و توسط وزارت مالیه هر کشور ترتیب میشود، اقتصاد مالی خصوصی قرار دارد که مربوط به عواید و مصارف اشخاص ومؤسسات خصوصی، انفرادی بوده بطور جداگانه ترتیب می شود یا به عبارت دیگر اشخاص و مؤسسات خصوصی حسب قوانین ومقررات علم مالی، حسابات خویش را ترتیب میدهند.

اقتصاد مالی دولت و اقتصاد خصوصی توسط یک تعداد مشخصات و خصوصیات از یکدیگر تفریق می شود که مهمترین آنها عبارت اند از:

فرق از نظر پلانگذاری:

از نقطه نظر پلانگذاری فرقی که بین اقتصاد مالی دولت و اقتصاد مالی خصوصی وجود دارد عبارت ازین است که پلان های اقتصاد مالی اشخاص و مؤسسات خصوصی روی





قيس ظاهر کارمند بانک بین المللی افغانستان

علمی، تحقیقاتی، خدماتی صحتی و غیره.

فرق از نظر جبران خدمات:

از نظر جبران خدمات فرق بین اقتصاد مالی دولت و اقتصاد خصوصی خاص صورت میگیرد مثلاً: اگر اقتصاد خصوصی خدمتی را انجام میدهد در مقابل آن یک بدیل خاص را از کسیکه خدمت را برای وی انجام داده است مطالبه مینماید یا وقتیکه یک شخص یک جنس را به شخص دیگری عرضه مینماید مقابل آن یک قیمت را دریافت مینماید که در هردو حالت فوق، جبران خاص مطرح میشود. در حالیکه در ساحت دولت هرگاه افراد خدماتی را برای دولت انجام بدهند این خدمات شان در بعضی از موارد بصورت خاص (مثلاً دریافت مزد و معاش در مقابل کار) و در بعضی موارد بصورت مشترک جبران میشود مثلاً کسانی که برای دولت مالی می پردازند در مقابل آن مالی دهندگان کدام جبران خاص را دریافت نکرده بلکه بصورت مشترک همراه اشخاص دیگر و حتی اشخاصیکه به دولت هیچ مالی نپرداخته اند از مزایای تأسیسات عام المنفعه دولت مستفید میشوند.

فرق از نظر نافعیت و سنجش آن:

از نقطه نظر نافعیت فرق بین اقتصاد مالی

فعالیت های دولتی بصورت یکسان مستفید گردند، یعنی هدف اساسی اقتصاد مالی دولت رفع احتیاجات اجتماعی است.

فرق از نظر میتود تهیه عواید:

از نظر میتود تهیه عواید فرقی که بین اقتصاد مالی دولت و اقتصاد مالی خصوصی وجود دارد عبارت ازین است که اقتصاد مالی خصوصی، عواید خود را از طریق اختیاری یعنی بر اساس پرنسپ تبادل و خرید و فروش اشیا و خدمات بدست می آورند در حالیکه دولت در چوکات اقتصاد مالی خود یک قسمت از عواید خود را برطبق پرنسپ اجباری یعنی از طریق دریافت مالیات و یک قسمت دیگر عواید خود را برطبق پرنسپ اختیاری یعنی از طریق عواید تشبثاتی، محصول و سهمیه ها بدست می آورد. به ارتباط موضوع باید تذکر داد که ساختمان و ترکیب عواید اجباری و اختیاری دولت نظر به نظام های مختلف اقتصادی نیز فرق مینماید به این معنی که در نظام های دارای اقتصاد بازار، قسمت عمده و قابل ملاحظه عواید دولت از طریق عواید اجباری یعنی مالیات می باشد. در کشورهای دارای نظام اقتصادی پلان مرکزی قسمت عمده عواید دولت از طریق عواید اختیاری یعنی از تصدی های ملی شده دولتی بدست می آید.

فرق از نظر ماهیت تولید:

از نقطه نظر ماهیت تولید فرق بین اقتصاد مالی دولت و اقتصاد خصوصی چنین است که در ساحت اقتصاد خصوصی، تولید به پیمانانه زیاد جنبه مادی یعنی تولید اشیا را دارا میباشد در حالیکه در ساحت دولت تولید به پیمانانه زیاد جنبه غیر مادی یا جنبه معنوی را دارا میباشد از قبیل انجام دادن خدمات امنیتی و دفاعی، تأمین عدالت و حقوق، انجام دادن خدمات

در آن به پیمانانه بیشتر ملاحظه میگردد. چنانچه تجربه نشان داده است درین جوامع عده یی از اشخاص و موسسات موادی را تولید و به بازار عرضه مینمایند که کاملاً به ضرر اجتماع میباشد ولی چون منافع شخصی شان در آن وجود دارد به تولید و عرضه آن اقدام مینمایند که از تولید ادویه تقلبی و بی کیفیت، مواد خوراکی غیر صحتی، تولید مواد مخدر و... می توان نام برد. بنابر این در چنین جوامع کنترل دولت به منظور جلوگیری از اضرار اجتماعی یک امر ضروری و حتمی می باشد که باید به شکل دوامدار و جدی صورت بگیرد.

بر عکس آن، دولت بحیث یک قدرت سازمان دهنده و رهبری کننده در تمام فعالیت های اقتصادی مالی خود این هدف را دارا میباشد تا فعالیت های آن تأثیرات مثبت را بالای اقتصاد وارد نماید، جریان وقایع اقتصادی را به استقامت مثبت که خیر و منافع جامعه در آن نهفته باشد رهنمائی نموده، انکشاف اقتصاد مجموعی را سریعتر ساخته و در نتیجه زمینه را برای بهتر ساختن وضع اقتصادی و اجتماعی کشور مساعد سازد.

فرق از نگاه رفع احتیاج:

فعالیت های اقتصاد مالی خصوصی بصورت عموم به منظور کسب منافع که هدف اصلی و اولی آنرا تشکیل میدهد احتیاج یک شخص یا تعدادی از اشخاص را رفع می نماید، به این معنی که از فعالیت مالی خصوصی صرف کسانی مستفید شده می توانند که در بدل خدمات خصوصی یک جبران یا پاداش را تادیه کرده بتوانند و کسانی که قدرت جبران را نداشته باشند از استفاده خدمات و فعالیت های اقتصادی خصوصی محروم میشوند. در حالیکه منظور اساسی از تمام فعالیت های اقتصاد مالی دولت تحت پوشش قرار دادن همه افراد یک جامعه می باشد تا از ثمرات و نتایج

ماشین آلات زراعتی، استفاده از تخم های اصلاح شده، استعمال کود کیمیاوی، استعمال ادویه ضد آفات و امراض زراعتی، بلند بردن کیفیت و کمیت نیروی کار بشری و غیره که تفکیک نمودن سهم هر کدام از عوامل فوق در ایجاد نافعیت مجموعی بصورت جداگانه طبعاً ناممکن است تا از روی آن نافعیت خالص پروژه آبیاری دولتی تثبیت گردد.

چون تثبیت نافعیت این نوع پروژه های دولتی و امثال آن بصورت دقیق امکان پذیر نمی باشد، بنا بر آن در ساحه عمل به منظور تثبیت پروژه های دولتی اکثر اوقات به یک تثبیت تخمینی نافعیت این نوع پروژه اکتفا می گردد. تثبیت نافعیت تخمینی این طور صورت میگیرد که مصارف تمام شد سایر عوامل بکار برده شده در پروژه دولتی تخمین شده و از نافعیت مجموعی پروژه تفریق گردد که قسمت باقیمانده آن نافعیت پروژه آبیاری را نشان میدهد.

بصورت عمومی گفته شده می تواند که تثبیت نافعیت در پروژه های مصارفاتی دولت بصورت کل حتی در کشورهای پیشرفته یک امر ناممکن بوده و در تثبیت نافعیت پروژه های دولتی از نافعیت تخمینی استفاده به عمل می آید. ●

ماخذ: مبادی علم مالی انتشارات فرهنگ

اقتصادی اعم از فعالیت های اقتصاد خصوصی و فعالیت های اقتصاد مالی دولت تصمیم گرفته میشود.

سنجش نافعیت در ساحه اقتصاد خصوصی بصورت دقیق امکان پذیر شده میتواند مثلاً از درآمد یک تصدی خصوصی مصارف تمام شد مجموعی آن تفریق گردد قسمت باقیمانده آن نافعیت تصدی مذکور را نشان میدهد. اما در ساحه مالی دولت بصورت مجموعی تثبیت نافعیت بصورت دقیق مانند اقتصاد مالی خصوصی ناممکن است. زیرا اکثریت پروژه های دولتی از قبیل پروژه های زیرساخت های اقتصادی از یکطرف بعد از مدت طولانی نافعیت را بوجود می آورند و از طرف دیگر این نافعیت غیر مستقیم شان بصورت مقداری یعنی به پول تثبیت شده نمیتواند.

مثلاً؛ وقتی که دولت یک بند آب را اعمار مینماید طبعاً از طریق آبیاری زمین های خشک و سایر حاصلات زراعتی بلند میروند اما اینکه تا کدام اندازه بند آبیاری در بلند بردن این نافعیت سهم داشته است، تثبیت دقیق آن دشوار و حتی ناممکن است زیرا بند آبیاری بحیث یگانه عامل تولید در بلند بردن تولید سهم نداشته بلکه عوامل دیگری نیز همراه آن بصورت مشترک در بوجود آوردن مفیدیت مذکور سهیم اند مثل بکار انداختن

دولت و اقتصاد خصوصی درین قرار دارد که اقتصاد خصوصی بصورت عموم در انجام دادن فعالیت های اقتصادی خود هدف بدست آوردن یک نافعیت مستقیم را دارا میباشد در حالیکه دولت در انجام فعالیت های اقتصاد مالی خود و بخصوص در پروژه های عام المنفعه، انجام یک نافعیت غیر مستقیم را دارا میباشد. مثلاً دولت در اکثر تأسیسات عام المنفعه از قبیل شفاخانه های دولتی، موسسات علمی و تحقیقاتی، شاهراه ها، بند و انهار و غیره. کدام نفعی را از مردم دریافت نکرده بلکه از ثمره و مفیدیت پروژه های مذکور اشخاص و موسسات استفاده مینمایند که این نوع تشبثات در اقتصاد خصوصی اصلاً وجود نداشته و یا به ندرت قابل دید خواهد بود. آنهم در صورتی است که بطور مثال بعضی از اشخاص که به منظور کسب شهرت و نایل شدن به یک موقف اجتماعی مصارف یک موسسه عام المنفعه را بر عهده گیرند که درین صورت نیز منافع یا مفیدیت معنوی مطرح بحث میباشد.

مورد دیگری که به ارتباط این موضوع دارای اهمیت زیاد است عبارت از مسله سنجش و تثبیت نافعیت است زیرا از روی سنجش نافعیت چه بصورت مستقیم و چه غیر مستقیم درمورد معقولیت و اقتصادیت فعالیت های



فعالیت فابریکه های تولیدی روغن

هستند، نه علاقمند سرمایه گذاری در سکتور زراعت و خدمات، البته با رشد و ترقی سکتور زراعت تاجران بیشتر علاقمند به صادرات و سرمایه گذاری در عرصه زراعت خواهند شد که در آن صورت مردم از مصئونیت غذایی بهره مند می گردند، زیرا اتکا نمودن برتورید اشیا مورد ضرورت، مانند روغن و سایر مواد ارتزاقی از خارج، در صورت بروز نمودن اندک ترین مشکلات در سر راه تجار وارد کننده، قیمت اشیا مورد ضرورت اولیه مردم به زود ترین فرصت به شکل سرسام آور بالا میرود که در آن وقت، مردم کم درآمد از دسترسی به مواد مذکور عاجز میمانند، بنا فعالیت فابریکه های تولیدی روغن و سرمایه گذاری درین عرصه از ضرورت های عمده کشور بشمار می رود.

عبدالحمید شاهین



روغن یکی از ضرورت های عمده زندگی مردم در کشور ما و در سطح جهان محسوب می گردد روی این اصل روزانه هزاران تن روغن در بازار عرضه شده و به مصرف می رسد، که تقریباً تمامی این مقدار روغن وارداتی و یکی از اقلام مهم تجارتی نیز می باشد، در حالیکه فابریکه های سپین زر در ولایت کندز و لشکرگاه کار تولید روغن از پنبه دانه را در سال ۱۳۴۲ آغاز نمودند که تولیدات آن برعلاوه توزیع کوپون کارمندان دولت و قطعات عسکری در بازار نیز عرضه می گردید. متعاقباً برای اولین بار روغن سمرقند از جمهوری ازبکستان و روغن شاه پسند از ایران وارد کشور گردید که بالاخره اندک اندک به مرور زمان تولیدات داخلی روغن کاهش یافته و واردات درین بخش سیر صعودی خود را تا فعلاً می پیماید، اما خوشبختانه درین اواخر توجه جدی مقامات وزارت زراعت درین مورد سبب می گردد تا نیازمندی مردم با الخصوص از نگاه روغن در داخل کشور مرفوع شود و این وزارت با راه اندازی سیمینار آموزشی به ابتکار شماری از متخصصان کشور های خارجی بخاطر استفاده از زمین های خشک و للمی برای زراعت، در پرتو تکنالوژی عصری در چند سال آینده، زراعت افغانستان ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت، مگر تا فعلاً زراعت در کشور با استفاده از نیروی محرکه حیوانات صورت می گیرد که حاصلات آن، مصارف ضروریات خود دهاقین را نیز تکافو نمی کند.

بنا بخاطر افزایش تولیدات زراعتی و بکار انداختن چرخ کار خانه های تولید روغن در کشور، دسترسی به آب مورد ضرورت، جهت ارتقا هر چه بیشتر ساحات تحت کشت آبی و ترویج زرع حبوبات روغن دار مانند پنبه دانه، آفتاب پرست، کنجد، سویابین و غیره ضروری می باشد که درین صورت، زراعت در کشور دوباره احیا و در پرتو آن فابریکه های روغن خالص به فعالیتهای تولیدی آغاز می نمایند، زیرا روغن های وارداتی غیر استندرد بوده و مردم را به امراض گوناگون مبتلا، بازار تورید ادویه بی کیفیت را در کشور گرم و سبب از بین بردن بخش بزرگ اقتصاد کشور و مرگ و میر مردم می گردد.

اگر در آینده نزدیک زراعت ترقی کند، اکثر اقلام مورد ضرورت عاجل مردم در کشور تهیه گردیده و از تجارت مواد مصرفی، مانند روغن و سایر مواد ارتزاقی کم کیفیت، که تاجر به وقت کم از تجارت آن سود جسته و مردم متضرر می گردند جلوگیری بعمل می آید، زیرا در صورت رشد زراعت، تاجر بیشتر به صادرات محصولات زراعتی توجه خواهد نمود نه به واردات آن، اما تا فعلاً تاجران بیشتر علاقمند به تجارت

د افغانستان اقتصادي ستونزې

۲- د طبيعي زيرمو څخه كمه گټه: په افغانستان كې د طبيعي زيرمو څخه كمه گټه اخستل كيږي، كه څه هم افغانستان د اقتصادي ودې او پرمختگ لپاره پوره طبيعي زيرمې او مواد لري او طبيعي زيرمې د يو هېواد په اقتصادي پرمختگ كې مهم رول لوبوي. اړينه ده چې دولت بايد د عصري وسايلو او تخنيك په كارولو سره د طبيعي زيرمو څخه زياته گټه وكړي ترڅو د خلكو لپاره كار پيدا او اقتصاد وده ومومي.

۳- بشري وسايل: د افغانستان نفوس د يوې سروې له مخې په كال (۲۰۰۵) كې (۲۹۹۲۸۹۸۷) وگړي حساب شوي و. د وگړو د شمېر په زياتيدو سره خوراكې توکو او نورو ضروري بشري وسايلو ته زياته اړتيا پيدا كيږي. له بلې خوا په هېواد كې دننه ډېر كم خوراكې مواد توليديږي او د وگړو د زياتوالي په انځور ډېر كم بشري سايل برابرېږي. افغانستان د باندنيو هېوادو څخه خوراكې توکي، پترول، ترانسپورتي وسايل او نور ماشين آلات واردوي او د بودچې يوه لويه برخه پرې لگيږي په (۲۰۰۱) كال يې دكارگرو شمېر (۱۱۸) مليونه ؤ چې ډېر كم شمېر يې په كار بوخت ؤ، د كار د نه موندلو په صورت كې زياتره خلك ښارونو ته كډه كيږي چې په پايله كې يې د ښارونو ستونزې زياتيږي او ښارونه د زدكړې، روغتيا، د خلكو پاكو اوبو د چاپيريال كاركړتيا او داسې نورو ستونزو سره مخ كيږي. نو له دې كبله اړينه ده چې بشري

ستونزو سره لاس او گريوان وي، په دې صورت كې د نوموړي هېواد او دولت وگړي له سختو ستونزو سره مخامخ كيږي لكه، د ژوند د سطحې ټيټوالی، روغتيايي ستونزې رامنځته كيدل، دامنيت له منځه تلل، د فوځي قوت ختميدل، د ښوونې او روزنې د كچې ټيټوالی، د بيكارۍ زياتيدل، د فقر او بې وزلي پيدا كيدل، په سياسي ډگر كې وروسته پاتې كېدل او داسې نور ... نو ويلاى شو چې ښه اقتصاد درلودل د هر هېواد لومړنۍ اړتيا ده. افغانستان نه يوازې دا چې څو لسيزو كورنيو جگړو ډير ځلې، بلکې له ډېرې اقتصادي ستونزو سره لاس او گريوان دی چې ځينې يې په لاندې ډول راغلي دي:

۱- کرنيز اقتصاد: د افغانستان دوه پر درې (۳/۲) برخه وگړي په کلو او بانډو کې ژوند کوي چې کسب يې کرنه او مالداري ده او څه نا څه په سلو کې ۷۰ سلنه خلک يې په کرنه او مالدارۍ بوخت دي، خلک يې کمې ځمکې لري او د حاصلاتو د لاسته راوړلو لږ وسايل او کمه تجربه لري، ډېری خلک يې د کورنۍ د کفالت لپاره په کرنه بوخت دي، نو پکار ده چې بزگرو ته اصلاح شوي تخمونه، کرنيزې دواگانې، مناسب تړينگونه او په کرنه کې د عصري وسايلو څخه د گټې اخيستو لپاره لارښوونې وشي.

دا يو څرگند حقيقت دی چې اقتصاد د يوه هېواد لپاره د ملاد تير حيثيت لري، لكه څرنگه چې د يوه انسان د ملا تير مات گډوډ يعنې خراب شي نو د هغه انسان د وجود ټول توازن او نظام گډوډ كيږي او په سالم ډول فعاليت نشي كولای او په دې حالت كې نوموړی انسان د ژوند له ډېرو ستونزو سره مخامخ كيږي. همدا ډول كه چيرته د يوه هېواد اقتصاد كمزوری او ياله زياتو اقتصادي



هغه هم د جنگونو ښکار او څه چې پاتې ؤ هغه په نشت حساب ده. زيربنا د اقتصادي فعاليتونو د ودې لپاره ډېر حياتي ارزښت لري، يوه سمباله او غوړيدلې زيربنا اقتصادي فعاليتونه چټک کوي او په نتيجه کې يې اقتصادي پرمختگ گړندۍ کېږي نو ضرور دی چې د بيا رغونې او بيا جوړونې لپاره يې کلکه پاملرنه وشي.

۸- د پانگې کمښت: د پانگې کمښت د افغانستان د اقتصاد يوه بله مهمه ستونزه ده چې يو غوره عامل يې په يوه هېواد کې د سړي سر د عايد کمښت دی، زياتره وگړو خپل عايد د ضروري توکو د راټولولو په موخه په مصرف رسولي او د سپما لپاره څه نلري ترڅو هغه په بانکي حسابونو کې واچوي او په پانگه اچونه کې ترينه استفاده وشي. ●

ولي الهام د افغانستان بانک
د اسلامي بانکدارۍ غړی

کولو استعداد لري، کار کول غواړي خو کار ورته نه پيدا کېږي چې دا ډول بېکاري زمونږ د هېواد په لرې پرتو کلو او بانډو کې زياته ده چې پټه بېکاري ورته هم وايي.

۶- د اومو مواد صادروول: افغانستان نورو هېوادنو ته اومه توکي، وچه او تازه ميوه اوځينې لاسي صنايع صادروي او په بدل کې يې جوړ شوي ماشين آلات، ترانسپورتي وسايل، پترول، خوراکي توکي او داسې نور توکي واردوي چې د صادراتو او وارداتو ترمنځ يې زيات توپير شتون لري، يعنې په وارداتو زياتې پيسې د هېواد څخه ځي او په صادراتو يې کمې پيسې هېواد ته دننه کېږي چې دا کار د سوداگرۍ په بيلانس باندې منفي اغېزه او د باندنيو هېوادونو سره زمونږ راکړه او ورکړه خرابوي.

۷- د زيربناؤ (بيخبنسټونو) نشتوالی: افغانستان په کمه اندازه زيربنا درلوده چې

وسايل وده وکړي ترڅو دا ډول ستونزې حل شي.

۴- بې وزلي: زياتره د بې وزلۍ په صورت کې سپما ډيره کمه او يا نه کېږي، سپما د اقتصادي ودې لپاره يو مهم فکتور بلل کېږي، خو د افغانستان خلک ډېر غريب او د سړي سر عايد يې ډېر کم دی، د دې جوگه نه دي چې سپما وکړي او يا په بانکونو کې پيسې وساتي. په کال (۲۰۰۵) کې د سړي سر عايد (۸۰۰) ډالره اټکل شوی ؤ، سواد هم په بې وزلۍ باندې اغيز لري د هېواد (۳۶) سلنه وگړي باسواده شمېرل کېږي چې (۵۱) سلنه وگړي يې نارينه او (۲۱) سلنه يې ښځينه گڼل کېږي، د بې وزلۍ نور عوامل ناوړه خواږه، خراب روغتيايي حالت، ناپوهۍ، نا امنی او داسې نور دي.

۵- بې کاري: جنگ، بې سوادۍ، خراب اقتصاد، د صنعتي سکتور نه لرل د بېکارۍ عوامل بلل کېږي، ډېری ځوانان د کار



محاورة مؤثر تجارتي

محاورة تجارتي مؤثر عبارت از پروسه انتقال معلومات مفيد از يك شخص و يا اداره به شخص و يا اداره ديگر بخاطر بدست آوردن واكنش مثبت است كه ميتواند معلومات مذكور به شكل (SOLICITED) انتقال معلومات به خواست جانب مقابل) و يا هم انسوليسيتد UN (SOLICIED) انتقال معلومات بدون خواست جانب مقابل) صورت گيرد. اين محاورة ميتواند به شكل شفاهي و يا هم غير شفاهي در داخل و يا در خارج يك اداره انجام يابد.

محاورة داخلي (Internal communication)

محاورة داخلي عبارت از محاورة يست كه انتقال دهنده و گيرنده معلومات مربوط يك اداره باشد. محاورة داخلي در سه شكل ميتواند صورت گيرد: محاورة افقي، محاورة عمودي و محاورة عبوري
محاورة افقي: زمانيكه افرادي هم رتبه با هم معلوماتي را شريك ميسازند عبارت از محاورة افقي است مثلاً: مدير ديبارتمنت مالي با مدير ديبارتمنت بازاریابی همين بانک راجع يك يا چند موضوع تجارتي گفتگو كنند.

محاورة عمودي: هرگاه در يك ديبارتمنت مشخص، مدير با كارمندان خود در رابطه به كار صحبت نمايد ميتوان آنرا محاورة عمودي گفت مثلاً مدير نمايندگي با صراف خود محاورة تجارتي انجام بدهد.

محاورة عبوري: هرگاه مدير يك ديبارتمنت با كارمند ديبارتمنت ديگر معلوماتي را شريك بسازد، اين حالت عبارت از محاورة عبوري است مثلاً: مدير توليدات از كارمند بازاریابی در مورد بازاریابی چيزي پيرسد.

محاورة خارجي (External Communication)

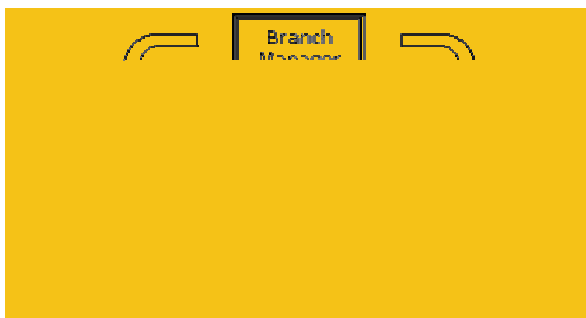
قسمتيكه از نام اش هويدهاست هرگاه اداره با مشتريان و يا هم با ادارات ديگر صحبت ميكند عبارت از محاورة خارجي است.

(اجزا محاورة)

۱- كانتكس: هر پيام شفاهي و يا غير شفاهي با كانتكس آغاز ميشود. كانتكس مفهوم وسيعي را افاده ميكند و تمام ساحات داخلي و خارجي از قبيل کشور، فرهنگ، اصول و مقررات، پروسه و محاورة معلومات يك اداره را دربر ميگيرد به اين معني حين انتقال معلومات نكات آتي را بايد در نظر گرفت.

فرهنگ، اصول و مقررات يك اداره، ضروريات، سطح فهم، مهارت ها، توقعات و طرق انتقال معلومات با جانب مقابل بايد در نظر گرفته شود كه در کدام صورت از محاورة تحريري و در کدام صورت از محاورة تقيري استفاده كرد. نا گفته نماند اين اصل خيلي مهم است هر پيام تصويري عقايد، نظريات، احساسات، تجارب، سويه تحصيلي، ساحه وظيفه، اعتماد،

قوه تحليل فرهنگ مخاطب، يك شخص و يا اداره را مي رساند كه بايد دقيقاً طرح و ديزاين گردد چون موضوع پيام ميتواند جانب مقابل را عميقاً متاثر سازد تا يك محاورة تجارتي موفق صورت گيرد بناً تمام ساحات محاورة را بايد حين طرح پيام در نظر گرفت تا محاورة تجارتي مؤثر



صورت گيرد.

۲- فرستنده ۳- پيام ۴- ذريعه (ميديم) ۵- دريافت كننده ۶- واكنش

بخاطر محاورة تجارتي مؤثر موارد ذيل را بايد در نظر داشت:



۱۰- در پیام باید حقایق مشخص، با اشکال مشاهداتی و تازه (update) (ارایه گردد. طور مثال به کار بردن اعداد و ارقام، جدول، گراف و غیره که در حقیقت کلمات را به تصویر میکشاند.

۱۱- در پیام تجارتي باید از ترکیب جملات موثر کار گرفت بنأ لازم است که طول، هماهنگی و ترتیب کلمات را به شکل دقیق مدنظر گرفته شود.

۱۲- پیام تجارتي باید صادقانه، هوشمندانه و همراه با قدردانی باشد طور مثال به عوض: اصلاً شما نامه من را نه خوانده اید میتوان گفت اجازه بدهید در باره نامه خود برایتان وضاحت بدهم و یا هم به عوض: از این نامه هیچ چیز را نمی توان دانست میتوان گفت این درک من است.

۱۳- در پیام تجارتي باید الفاظ را بدون تعصب انتخاب نمود الفاظی که بدون در نظر داشت جنس، نژاد و مشخصات فیزیکی برخورد مساویانه مردم را منعکس سازد طور مثال به عوض ساخت مرد میتوان تولید شده، ساخته شده را به کار برد.

۱۴- پیام تجارتي باید صحیح باشد اولتر از همه تصمیم باید گرفت در کدام حالت از زبان رسمی، غیر رسمی و یا تحت المعیار کار گرفت، خصوصاً در محاوره تجارتي به کار بردن زبان غیر رسمی بیشتر معمول است، صحیح بودن اعداد و ارقام را نیز در نظر باید گرفت و کوشش شود تا پیام یک بار مرور شود.

۱۵- در محاوره تجارتي محدودیتهای وقت و مصارف را باید در نظر گرفت و تصمیم گرفت در کدام پیام چه نوع وسیله محاوره را (means of communication) با در نظر داشت وقت و مصارف مربوطه آن کار گرفت.

۱۶- در محاوره تجارتي از محاوره غیر لفظی (Body language) مثبت کار گرفت طور مثال در جریان مصاحبه و یا هم جلسه از بر قرار نمودن تماس چشم، لبخند، حرکات دست و پا، نمایش ظاهری، لباس، حرکات چهره (facial expressions) مانند چهره خندان، پریشان... را در نظر گرفت.

۱۷- در محاوره تجارتي نشان دادن واکنش خیلی مهم است زیرا بدون واکنش نمیتوان اطمینان حاصل نمود که آیا شخص مخاطب پیام را با همان شکلی که در نظر است دانسته است یا خیر؟

۱۸- در محاوره تجارتي باید کوشش کنیم تا شنونده فعال باشیم زیرا به هر اندازه که شنونده خوبتر باشیم به همان اندازه کیفیت محاوره بلندتر میشود، شنونده باید از دیدگاه مثبت، روشن و دقیق ببیند.

۱۹- در پیام تجارتي از حقایق باید به شکل مکمل صحبت گردد زیرا ممکن است در صورت عدم تکمیل حقایق، شخص دریافت کننده پیام مشوش گردد و شاید کدام عمل اشتباه آمیز سرزند. ●



احمد راشد فضل عضو آمریت خطرات مالی

۱- هر محاوره تجارتي اگر تحریری باشد و یا هم شفاهی، باید به شکل منطقی طرح و ترتیب شود به این معنی آغاز محاوره به شکلی صورت گیرد که مورد جلب توجه و علاقمندی مخاطب قرار گیرد همین طور اختتامیه پیام نیز به شیوه خاص نتیجه گیری شود.

۲- پیام باید مکمل باشد: در پیام باید تمام معلومات ضروری ارایه گردد به این معنی که باید اطمینان حاصل کرد که در پیام به تمام سوالات آتی جواب ارایه گردیده است:

۱- برای کی؟ ۲- چه؟ ۳- چه وقت؟ ۴- در کجا؟ ۵- چرا؟ ۳- هرگاه لازم باشد میتوان در پیام خود معلومات اضافی را نیز ارایه نمود.

۴- پیام باید کوتاه باشد، حین محاوره تجارتي از کلمات کوتاه و موارد مربوط به موضوع به کار برده شود و از استفاده جملات تکراری جلوگیری شود. به طور مثال میتوان از ترکیب کلمات در این وقت را به کلمه حال تعویض کرد.

۵- در محاوره تجارتي بالای به کار بردن کلمه (شما) نسبت به (من و ما) زیاد تر تأکید گردد زیرا باید شخص دریافت کننده را بیشتر مهم دانست.

۶- پیام باید جنبه تشویقی داشته باشد و کوشش شود فواید مخاطب را منعکس نماید تا بخاطر تحقق اهداف، بالای شخص مخاطب نفوذ وارد نماید.

۷- در پیام تجارتي باید بالای حقایق مثبت و خوش آیند زیاد تر تأکید ورزید.

۸- در پیام تجارتي باید از به کار بردن الفاظ مبهم و پیچیده جلوگیری گردیده و کوشش شود تا کلمات واضح و مروج به کار برده شود.

۹- در پیام تجارتي کوشش شود از لحاظ گرامری کلمات را به شکل فعل نه به اسم به کار برد، به کار بردن چنین شیوه، ما در حقیقت کلمات را به عمل در می آوریم.

مدیریت او اداره

جمال ناصر د مالي نظارت غړی

وي او د اعتماد وړ نه وي، نو پداسې حالاتو کې دیکتاتور رهبري پکار ده.

د دیموکرات منیجر ښیځنې:

دیموکرات منیجر د خپل اړوند پرسونل سره په هر کار کې صلاح مشورې کوي او د ستونزې د حل په اړه ترې نظرونه اخلي او کارکوونکي خپلو ورسپارل شوو دندو ته هڅوي او د تفاهم فضاء رامنځ ته کوي چې په نتیجه کې لاندې گټې تر لاسه کیږي.

کارکوونکي په خپله موسسه کې چې دی پکې کار کوي د لوړ شخصیت احساس کوي.

- د مسؤلیت احساس پکې لوړ وي.

- کارکوونکي په ټولو چارو کې خپل نظر څرگندولی شي.

په دیموکراته فضاء او رهبرۍ کې د نوښت زمینه برابره وي او کارکوونکي خلاقه او نوښتگر وي.

او د هغوي سره د ادارې پرمخ بیولو کې صلاح او مشورې کوي.

د دیکتاتور رهبر یا منیجر نیمگړتیاوې:

کله چې یوه اداره کې دیکتاتور فضاء حاکمه وي، هلته لاندې ځانگړتیاوې لیدل کیږي.

په اداره کې د بې اعتمادۍ او بې باورۍ فضاء رامنځ ته کیږي.

ترڅو هره شیهه هدايت ورنکړی شي کارکوونکي په خپل شوق کار نه کوي.

کارکوونکي، مامورین او پرسونل د حقارت او سپکاوی احساس کوي.

بې مسؤلیتي زیاتېږي

د نوښت، ابتکار او د تشویق کوونکو د تلاش زمینه له منځه ځي.

خو هغه وخت چې عاجل تصمیم ضرورت وي او هغه کارکوونکي چې

ناپوهه وي، کم تجربه وي، بې مسؤلیته

منیجر یا مدیر: منیجر هغه څوک دی چې پلان جوړوي د ادارې اړوندو ځانگړو چارې تنظیموي، تصمیم نیسي او د اړوندې اقتصادي تصدی، د موسسې کاري گروپ څارنه کوي او کارکوونکي اداره کوي.

د یو اقتصادي ادارې منیجر خپله اداره یا موسسه باید د یو مجموع په توگه وگڼي چې د هغې بیلابیلې څانگې یو د بل سره تړلې دي او یو پر بل تکیه لري. هرو مرو د یوې څانگې بدلون، پیاوړتیا یا ضعف په ټولو برخو او په پایله کې په ادارې باندې تاثیر لري باید د ادارې منیجر د ټولنې د تقاضا کوونکو، مشریانو(پیرودونکو)، مستهلکینو او نورو ټولنیزو واحدونو سره ډېرې بریالۍ اړیکې ټینګې کړي او د موسسې دننه هم رهبري ښه پر مخ بوځي.

۲- د رهبرۍ له نظره منیجر

د رهبرۍ له نظره منیجر په دوو برخو ویشل کیږي:

۱- دیکتاتور منیجر

۲- دیموکرات منیجر

۱- دیکتاتور منیجر: دیکتاتور منیجر غواړي یواځې خپلې غوښتنې په ټولو ومني او د کارکوونکو نظریاتو او ستونزو ته پاملرنه نه کوي.

۲- دیموکرات منیجر: دیموکرات منیجر د خپل لاس لاندې کارکوونکو غوښتنې او نظریاتو ته غور نیسي او د هغوي ستونزو لپاره د حل لارې چارې پیدا کوي



د دندې له نظره د منیجر ډولونه:

۱ - د لوړې سطحې منیجر (Top level Manager)

هغه منیجر کوم چې ټول سازمان کنترول او اداره کوي، دغه منیجر د سازمان د اهدافو ترسره کولو لپاره ستراتیژي جوړوي، څرنگه چې د تکنالوژۍ او وخت په تغیر سره د خلکو طرز العمل او ذوق کې هم تغیر راځي نو د لوړې سطحې منیجر د خلکو د رضایت د حاصلولو لپاره مختلفې ستراتیژۍ جوړوي او د سازمان اهداف تر لاسه کوي او د سازمان بیا جوړونه د لوړې سطحې د منیجر پواسطه صورت نیسي. د سازمان بیا جوړونه د سازمان ښه کنترول او د مصارفو د کموالي او ښه کردار لپاره صورت نیسي په ځینې وختونو کې د لوړې سطحې منیجر تصمیم نیسي چې موجوده پرسونل کم کړي او پر ځای یې نوي مهارت لرونکي پرسونل وگماري، ترڅو د ټولنیزو تغیراتو سره سازمان تیار کړي او د سازمان اهداف په ښه شان سره تر لاسه کړي.

۲ - د منځنۍ سطحې منیجر (Middle level Manager):

دا هغه ډول منیجر دی چې د ټیټې سطحې منیجران کنترولوي او د دې منیجرانو د فعالیتونو مسؤلیت په غاړه لري او د ډیپارټمنټونو په سطحه ستراتیژي جوړوي د سازمان ټاکلي اهداف پر مخ بیايي.

۳ - د ټیټې سطحې منیجر (First level Manager):

هغه منیجر دی چې د کارگرانو ورځني فعالیتونه اداره کوي او د یو سازمان څارونکي او کارکوونکي په مستقیمه توګه کنترولوي.

د منیجر دندې:

۱- پلان جوړول

۲- سازماندهي

۳- د بشري قواوو اداره کول (گمارل، منفک کول او ترفیع ورکول)

۴- رهنمائي

۵- کنترول

پلان جوړونه:

د پلان تعریف: پلان یو ذهني طرحه ده چې د اداري او غیرې اداري اشخاصو لخوا د ټاکلو موخو او اهدافو لپاره ترتیب کيږي او یا په بل عبارت د موخو ټاکلو او د هغې د لاسته راوړلو لپاره د برنامه (کړنلارو) ترتیبول عبارت د پلان څخه دی او د دې نه هم که په ساده الفاظو وویل شي پلان هغه ذهني انځور دی چې د یوکار د پلي کېدو دمخه طرح کیږي. پلان یو داسې عملیه ده، د هغې څخه پرته هیڅ ډول کړنې په سمه توګه سرته نشي رسیدلی او هم بې له پلان څخه کارونه ښې پایلې او لاسته راوړنې نه لري.

پلان جوړونه د چا دنده ده؟

لکه څرنگه چې پلان جوړول د یوې ادارې موخو ته د رسیدلو لپاره لومړنۍ اساسي او بنسټیز رکن دی نو پکار ده چې داسې پلان ترتیب شي چې تطبیق یې آسانه او ټاکلي اهداف یې د لاسته راوړلو وړ وي. پلان جوړونه په یوه اداره کې د ادارې د صلاحیت لرونکي آمر او هغه څوک چې د ادارې په پورته او لوړو منصبونو کې قرار لري وظیفه او دنده شمېرل کیږي. ښايي پوښتنه وشي چې آیا د عمومي آمر څخه پرته نور اداري پرسونل د پلان په ترتیب او جوړونه کې

رول لوبوي.

تر ټولو لوی منیجر کولی شي چې یواځې پلان او هغه څه چې د پلان پورې تړلي وي ترتیب او جوړ کړي او هم کیدای شي چې خپلو مادونانو د نظریاتو او څرګندولو په مرسته ترتیب او جوړ کړي. او همدارنګه کېدای شي چې د لوړې سطحې منیجر د پلان لپاره مهم ټکي وټاکي او پاتې نور تفصیلي ټکي او مراحل یې د پلان په حدودو کې ښکته اداري پرسونل ترتیب او جوړ کړي په لنډ ډول ویلی شو چې کیدای شي پلان یواځې لوړې سطحې منیجر لخوا ترتیب شي او یا تطبیق لپاره مادونانو ته وړاندې شي او یا هم د لوړې سطحې منیجر د ادارې د اړوندو نورو څانګو د آمرینو د نظریاتو او څرګندونو څخه په استفادې پلان ترتیب او جوړ کړي.

د یادولو وړ ده هغه پلان چې د ادارې د څانګو د آمرینو په صلاح مشوره او همکارۍ ترتیب شي پلي کیدل یې آسانه وي او په نسبي ډول د ستونزو څخه خالي وي.

د پلان ډولونه د وخت له نظره: پلان د وخت په نظر کې نیولو سره په درې ډوله دی:

۱- لنډ مهاله پلان: دا ډول پلان د لنډې مودې لپاره ترتیبیږي چې موده یې د یو کال څخه تر درې کالو پورې رسیږي.

۲- منځ مهاله پلان: د دې ډول پلان موده د لنډ مهاله مودې پلان څخه زیاته وي یعنې د دوه کلونو څخه تر پنځو کلونو پورې رسیږي.

۳- اوږد مهاله پلان: د دې ډول پلان موده



د پنځو کالو څخه پورته شمېرل کېږي په لنډ ډول ویلی شو چې د یوې ادارې لپاره د پلان ترتیبول د مودې په پام کې نیولو سره د هماغې ادارې او یا پروژې د حجم، د تولید څرنگوالي، د ادارې جوړښت او طبیعت، د موخو او لاسته راوړنو پورې اړه لري چې باید کوم ډول پلان ورته په پام کې ونیول شي لنډمهاله، منځ مهاله او اوږدمهاله.

د یو منیجر لپاره د پلان جوړولو گټې:

۱- پلان جوړونه د موخو په ټاکلو کې مرسته کوي کوم چې یو منیجر یې د لاسته راوړلو هلې ځلې کوي.

۲- پلان جوړونه مدیر او اداري پرسونل ته د هغوي دندې او وظایف روښانه کوي.

۳- پلان جوړونه د هغه ستونزو په روښانه کولو کې مرسته کوي کوم چې په راتلونکي کې د یو منیجر د اهدافو د لاسته راوړلو مخنیوی کوي یا یې خنډه گرځي.

۴- مناسب پلان ترتیبول په اداره کې د سترتیا او تکالیفو د کمېدو لامل گرځي.

۵- د پلان د ترتیب په صورت کې منیجر کولی شي چې په کم لگښت(مصرف) خپلې موخې لاسته راوړي.

سازماندهي: د پرژوې یا ادارې وېشل په بیلابیلو فعالیتونو لکه: (تمویل، محاسبه کول، بازارموندل او داسې نور).

لومړی باید ټول فعالیتونه د اهدافو د ترلاسه کولو لپاره وپېژندل شي. لکه: لوژستیکي، خریداري، حفظ او مراقبت لومړی باید لوی کارونه ووېشل شي او په کوچنیو کارونو باندې تقسیم شي او منابع

ورته تخصیص ورکړل شي.

د بشري قوې استخدام: که چېرې په مختلفو سکتورونو کې مونږ ته د بشري قواوو ضرورت وي او هغه مونږ د سپارش په اساس استخدام کړو نو پروژه په راتلونکي کې د پېرو ستونزو سره مخ کېږي، لومړی باید په دې پوه شو چې دا شخص د دې وړ دی او اړونده دنده ترسره کولی شي؟ کله چې دنده تشخیص کړای شي بیا ورته د کارگرو د استخدام د تخصیص په اساس ضرورت دی.

او د هغه څخه تحریري ازموینه اخیستل پکار دي ترڅو د اړتیا وړ ماهر کارکونکي ورڅخه ونیول شي او بیا ترینه مصاحبه(مرکه) واخیستل شي ځکه په انسان کې پټ مهارتونه لکه: د اخلاقو، جرأت، ابتکار، په ازموینه کې نه معلومېږي کله چې مقرر شي نو بیا باید د کار په ارتباط ټریننگ ورکړی شي د پروژې د ناکامۍ لوی لامل د مقرري نا مناسب والی دی.

رهنمائي او رهبري کول: هر رهبر منیجر نشي کیدای هر منیجر رهبر کیدای شي د منیجر په پنځه گوني دندو کې یوه دنده رهبري ده هغومره مهارتونه چې د یوه منیجر لپاره پکار دي د یوه رهبر لپاره ندي پکار، رهبر یو داسې شخص دی چې کولای شي په نورو اشخاصو تأثیر واچوي چې د ده یا د سازمان اهداف ورباندې ترسره شي.

منیجر: د هغه کس څخه عبارت دی چې د اهدافو پلټول او په بریالۍ توګه یې د سرته رسولو مسؤلیت په غاړه لري لکه: یو سیاسي رهبر چې خلک یو کار ته هڅوي

کیدای شي، خو منیجر د پوهې په اساس کار کوي.

کنټرول کول:

د کنټرول لپاره لومړنی اړتیا د معیاري یا سټنډرډ پلان درلودل دي.

د معیار نه مطلب یو شمېر مشخصات دي چې په پلان کې اهداف له جزئیاتو سره لیکل شوي دي د پلان د طرح کولو وروسته باید پلي شي اجراءات او انحرافات باید ولیدل شي چې مثبت دي او که منفي، پدې معنی چې ښه کار شوی او که بد. منیجر باید انحرافات اصلاح کړي او د انحرافاتو لپاره حدود وټاکي.

۱- یو منیجر باید په خپله اداره کې کارونه جلا او هر شخص ته د خپل مسلک سره سم دندې وسپاري.

۲- په اداره کې د امر ورکولو صلاحیت د یو منیجر پورې تړلې وي او هر کارکونکی باید پدې وپوهیږي چې د چا لخوا ورته امر کېږي او د چا لپاره مسؤل دی.

۳- د یوې ادارې عمومي گټې او اهداف د منیجر د انفرادي گټو او اهدافو قرباني نشي او ترې مهمې ونه ګڼل شي، څرنگه چې منیجر د دې مسؤل دی ترڅو د شخصي او عمومي گټو تر منځ یووالی رامنځته کړي.

۴- د فرمانونو او اوامرو صادرو او عملي کول باید د ادارې د لوړ رتبه منیجر څخه پیل او په عادي کارکونکي باید پای ومومي.

۵- یو منیجر باید په یوه اداره کې په سمه او صحیح طریقه د کارونو د سرته رسولو لپاره نظم ته پاملرنه وکړي. ●

د افغانستان بانکونو نه سم استعمالول، زمونږ پيسي له دې ناوړه وضعیت سره مخ کوي.



Bank

Da Afghanistan Bank
Central Bank of Afghanistan



Forty Three Issue

Fourth Year

welt
hunger
hilfe

توزیع وسایل زمستانی توسط یکی از موسسات مدد رسان برای کاهش فقر در کشور

www.centralBank.gov.af

January 2011